



سال دوم - شماره ۱۰۵ - شماره ۱۸ آذر ۵۹ - تک شماره ۲۰۵ ریال

پیام
اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاه ها و مدارس - عالی به مناسبت ۱۴ آذر
 در صفحه ۱۴

۱۴ صفحه

در صفحات دیگر:

- * اطلاعیهی مجاهدین خلق در رابطه با روز جهانی فلسطین
- * ارتجاعی ترین روزنامه نیز حکم به برائت سعادت داد
- * اعتصاب غذای هواداران مجاهدین خلق در زندان اوین
- * شمشیر و ترازو

مرگ بر امپریالیسم! زنده باد آزادی!

بودن با همین کسانی که امروز به عنوان لیبرال شدیداً مورد حمله هستند، و بعد از آن که شب خوابیده و ناگهان صبح برخاستند و خطرات رقیب را درک کردند، تاخت و تاز به آزادی را شروع کردند؛ یا از فردای انقلاب؟ مگر نه اینست که سازمان ما مدت ها به اتهام بقیه در صفحه ۲

که می توانستند آزادی را سلب کنند ولی نکردند و قانونا آن را برای مردم نامین نمودند!
 با نگاهی به چگونگی محدود شدن آزادی ها و این که باز پس گرفتن آزادی از چه نیروهائی شروع شد مساله روشن تر می شود. آیا آقایان پس از مدت ها دست در دست

هر جا صحبت می کنند یکی از تکیه کلام هایشان اینست که "در کدام کشور این همه آزادی داده شده؟! - جای این سوال باقی است که کدام آزادی را دادمانند؟ آنها مگر کاری جز گرفتن آزادی ها داشته اند که این قدر به خاطر آن منت می گذارند. خوبست یک مورد به عنوان نمونه ذکر کنند

سیاسی جامعه بخشید ولی با به پای تثبیت حاکمیت جدید مخصوصاً به موازات خارج شدن رقبای جناح ارتجاعی از میدان و اشغال شدن مواضع قدرت به وسیله عناصر این جریان روز به روز تا آنجا که شرایط اجازه می داد و در حد توان این جناح بود آزادی ها سلب گردید. در حالی که این افراد

با نگاهی گذرا به ۲۲ ماهی که پشت سر داریم مشخص می شود که پس از سقوط دیکتاتوری که به دست تک تک مردم و نیروهای انقلابی انجام گرفت ناگهان در فضای تهی از استبداد، آزادی ها که برای مردم از نان شب هم حیاتی تر بود، به مثابه ی گرانبهارترین دستاورد انقلاب حیات تازه ای به زندگی

بحران "اعتماد عمومی"

نگاهی به موضع گیریها و برخورد های مقامات مملکتی در رابطه با کمبود های ناشی از جنگ

ناکسی علیرغم قول دولت مبنی بر بازپرداخت ما به التفاوت قیمت قبلی و قیمت فعلی بنزین، دست به اعتصاب زده بودند، یکی از همین رانندگان ناکسی می گفت: "والله اگر دولت با ما روراست بود و می آمد رک و راست می گفت بابا جنگه، پالایشگاه از بین رفته، نفت بقیه در صفحه ۶

همان روزهایی که قیمت بنزین گران شده بود و رانندگان

گزارشات مستند در مورد شکنجه
 در صفحه ۸

وحشیگری چماقداران و حامیان مسلح آنها در آمل

در اثر وحشیگری ها کارگر مجاهد حسین سالار محمدی شهید و بیش از سیصد تن مجروح شدند

به دنبال یک سلسله تحریکات که مدتی است از طرف عناصر ارتجاعی و وابستگرا در جریان است، روز چهارشنبه دوازدهم آذرماه عده ای چماقدار و اوباش به چند کتابخانه و فروشندگی کتاب در آمل حمله بقیه در صفحه ۵

نگاهی به گذشته

نظری به عملکرد سیاست های ۲ سال گذشته نشان می دهد که مواضع و احوال کنونی کشور، با تمام مشکلاتش نتیجه ی مستقیم عملکرد های است که فقدان عنصر انقلابی اصیل، کنار زدن نیروهای انقلابی و انحصار طلبی و پس گرایانه وجه مشترک آنها را تشکیل می دهد.

امروزه در شرایطی بسر می بریم که ابرهای تیره ای بهام و بحران، فضای سیاسی و آسمان میهن عزیز ما را فرا گرفته است. واقعا درد آور است که هنوز ۲ سال از سرنگونی رژیم شاه و استقرار نظام جمهوری اسلامی نگذشته، مردم زحمتکش و مبارز میهن ما با شرایطی روبرو شده اند که به هیچ وجه انتظار آن را نداشتند. و معلوم نیست که اگر اوضاع به همین منوال پیش برود آینده و سرنوشت این میهن و این انقلاب چه خواهد شد...

امروزه ما در شرایطی بسر می بریم که بکار بردن کلمه ی "بحران" درباره ی اوضاع و احوال کشورمان امری عادی شده است.

در حالی که وضع اقتصادی کشور بسیار نگران کننده است و توده های مردم به خصوص اقشار زحمتکش و محروم جامعه از نارسائی ها و مشکلات اقتصادی به شدت رنج می برند، در حالی که صدها هزار نفر از هوطنان جنگ زده ی ما از خانه و کاشانه ی خود آواره گشته و با مشکلات گمراهکننده دست به گریبانند و در حالی که در گوشه های از میهن ما یعنی در کردستان جنگ برادر کشی همچنان ادامه دارد و در حالی که انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما چه از داخل و چه از خارج با مشکلات و خطرات بسیاری مواجه است، قدرتمندان و قدرت طلبان هرچه بیشتر در صدد تسخیر مواضع و تحکیم و تثبیت قدرت انحصاری خود برآمده اند، تا در حالی که بقیه در صفحه ۲

نامه ۲۵ نفر از شخصیت های مبارز به رئیس جمهور در اعتراض به اختناق شکنجه و حکم تعقیب رهبران مجاهدین
 در صفحه ۱۲

اعتراض گسترده بر علیه حکم ساواک مآبانه احضار رهبران مجاهدین

همانطور که اطلاع دارید بدنبال محاکمه ی نمایشی و فرمایشی مجاهد اسیر محمدرضا سعادتسی و حکم باصطلاح دادگاه او مبنی بر ۱۰ سال محکومیت آقای باصطلاح دادستان انقلاب مرکز حکم احضار و دستگیری کادر مرکزی "مجاهدین خلق" را به منظور جبران بزرگترین اشتباه شاه

بقیة از صفحه‌های اول

نگاهی به گذشته

از تمام مردم شریف ایران، از نیروها و شخصیت‌های آزادی‌خواه و انقلابی و از تمام کسانی که در ویرانی منافع فردی و گروهی به پیروزی انقلاب رهایی بخشند، فدای امپریالیستی خلق ما می‌اندیشند، می‌خواهیم که در مقابل قدرت طلبی‌ها، انحصار طلبی‌ها و برای پیش برد انقلاب فدای امپریالیستی ما، در پرتو کسب و حفظ آزادی‌های انقلابی، لحظه‌ای دست از مقاومت و ایستادگی برندارند.

بیشترین فشارها و تضییقات مستمر را بر نیروهای انقلابی به ویژه مجاهدین خلق اعمال کرده به زعم خود آنها را از صحنه خارج نموده‌اند، آخرین و کم‌ترین نمونه‌ها و صداهای انتقاد و اعتراض و مخالفت را نیز خاموش سازند. و این همه در حالی است که تجاوز رژیم بعثی عراق و اشغال بخشی از میهن، همچنان ادامه داشته و علاوه بر این گاه از این طریق صدمات جبران‌ناپذیر صنعتی و اقتصادی بر این میهن وارد شده جنگ همه روزه تعدادی از مردم و جوانان ما را نیز در گام خود فرو می‌برد. درست است که جنگ همیشه زاینده‌ی مشکلات اقتصادی و اجتماعی است و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کنونی نیز به مقدار زیادی نتیجه‌ی جنگ می‌باشد اما بدیهی است که نمی‌توان تمام مسائل و دشواری‌های کنونی را به حساب جنگ گذاشت. چرا که جنگ تأثیرات خود را در زمینه‌ای که از پیش ساخته شده ظاهر می‌کند. و لذا است که جنگ می‌تواند عامل بسیج و وحدت و انسجام نیز بشود به طوری که تمامی مردم نیز با تمام قوا و با سعی صدر مسائل و مشکلات حاصل از جنگ را به جان خریدند و خم به ابرو نیاورند.

تمام اینها منوط به سیاستی است که قدرت حاکم چه قبل از جنگ و چه در زمان جنگ در برخورد با مسائل مختلف در پیش می‌گیرد. متأسفانه می‌بینیم که در این کشور حتی از جنگ نیز استفاده‌ها و یا بهتر بگوئیم سوء استفاده‌های فرصت طلبانه و انحصار طلبانه‌ی سیاسی به عمل می‌آید. و به بهانه‌ی جنگ حتی آخرین بقایای آزادی‌های مشروع مردم را نیز از بین می‌برند و به طوری که دیدیم حتی شرکت و حضور نیروهای انقلابی را در جنبه‌های جنگ و در دفاع از میهن و مردم رسماً ممنوع می‌کنند. بسیار روشن است که با این قبیل سیاست‌ها و عملکردها نه می‌توان مشکلات اقتصادی را حل و تعدیل نموده و باری از روی دوش مردم زحمتکش برداشت و نه به التیام تضادها و وحدت صفوف مردم دست یافت.

از طرف دیگر تضییقات و فشارهای خارجی که از جانب امپریالیست‌ها بر علیه خلق ما به کار گرفته شده هر روز تشدید می‌شود و انقلاب ضد امپریالیستی میهن ما هر روز بیشتر از روز پیش در معرض توطئه‌های امپریالیسم جهانی‌خوار آمریکا قرار می‌گیرد که طبعاً در صدد بهره‌برداری هر چه بیشتر از اوضاع و احوال کنونی کشور در جهت منافع امپریالیستی و ضد خلقی خود می‌باشد.

به طوری که دیدیم علی‌رغم انعطافی که حکومت ایران با تصویب و اعلام شرایط آزادی‌گروگان‌ها از خود نشان داد (با وجود مخالفت‌ها و اعتراض‌های نیروهای انقلابی و منجمله مجاهدین خلق) آمریکا (که گفته می‌شود قبلاً حاضر بود به شرایطی حتی بیشتر از این تن در دهد) در مواضع خود مستحکمتر شده و مصمم است تا رژیم ایران را به نرزش و انعطاف و امتیاز دادن‌های بیشتری وادارد. و این در حالی است که دست اندرکاران به اصطلاح مکتبی می‌خواهند از آمریکا قول و تعهد عدم مداخله در امور ایران را بگیرند

غافل از این که به قول قرآن "کیف یكون للتشركین عهد عند الله و... و... و جالب است که در این اوضاع و احوال مسائل مربوط به گروگان‌ها حالت سری به خود گرفته است به طوری که هنوز مردم ما نه از مضمون مذاکرات سری مجلس و نه از پیام گارتتر به نخست وزیر ایران و نه از پاسخی که آمریکا به ایران داده است و نه... به درستی خبر دارند.

بدیهی است لازمه‌ی این سیاست‌ها و عملکردها در برخورد با نیروهای انقلابی، اعمال فشار هر چه بیشتر بر آن‌ها و احیاناً تمهید سرکوب و تصفیه‌ی نهایی آنهاست. و بی‌جهت نیست که می‌بینیم در چنین اوضاع و احوالی مجاهدین خلق که به گواهی سال‌ها سابقه‌ی عینی خونبار و انکارناپذیر، پی‌گیرترین نیروی انقلابی و ضد امپریالیست میهن ما هستند، زیر شدیدترین فشارها قرار می‌گیرند. نشریات مجاهدین رسماً ممنوع می‌شود، اعضا و هواداران مجاهدین در سراسر کشور مورد انواع آزار و اذیت‌ها و شکنجه‌ها قرار می‌گیرند و آنها را وسیعاً حتی در جنبه‌های جنگ دستگیر می‌کنند، مراکز مجاهدین و هواداران مجاهدین و حتی بعضاً منازل مسکونی آنها مورد هجوم و غارت قرار می‌گیرد، زندان‌های سیاسی را از مجاهدین پر می‌کنند، مجاهد خلق سعادتی که بیش از ۷ سال زندان و شکنجه رژیم شاه را تحمل کرد، به اتهام جاسوسی محاکمه و محکوم می‌شود و مجاهدین رسماً تحت تعقیب قرار می‌گیرند. آری چنین است سیاستی که در مقابل یک نیروی انقلابی در پیش گرفته می‌شود و همه‌ی ما می‌دانیم که در ورای هرگونه هادعا و شعار و تبلیغات چگونگی برخورد یک رژیم با نیروهای انقلابی مهم‌ترین اصل است سنج مشروعیت و ترقی‌خواهی آن رژیم است.

چنین است تصویری هرچند غیر مکفی و ناقص از شرایطی که امروزه بر میهن ما حاکم است و در چنین شرایطی است که سوالات و ابهامات زیادی درباره‌ی آینده‌ی این میهن و سرنوشت این انقلاب مطرح می‌شود: آیا این همه مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فشارهایی که بر توده‌های مردم وارد می‌شود چگونه حل خواهد شد؟ آیا با روش‌ها و سیاست‌هایی که تاکنون به کار گرفته شده امید به حل این مسائل وجود دارد؟ آیا سرنوشت آزادی و استقلال که مردم ما آن همه به خاطر آن‌ها مبارزه کرده و قربانی دادند چه خواهد شد؟ آیا بالاخره آزادی‌های مشروع مردم و نیروهای سیاسی محترم شمرده خواهد شد یا بازهم غول استبداد و اختناق و دیکتاتوری سایه خواهد افکند؟

آیا دست‌اندرکاران انحصار طلب مصمم‌اند تا با ادامه‌ی انحصار طلبی و افزودن فشار بر نیروهای دیگر و به ویژه نیروهای انقلابی و احیاناً سرکوب و گشتار آن‌ها این بار جنگی را در داخل کشور بر این ستم‌گشیده تحمیل کنند؟ و آیا آینده استقلال کشور چه خواهد بود؟ می‌توان به طی جریان‌های از سلطه‌ی امپریالیسم امیدوار بود یا بازهم باید نگران سازش و وابستگی مجدد همه‌چیز به آمریکا باشیم که البته مسائل و مشکلات نظامی و اقتصادی ناشی از جنگ نیز بهانه‌های خوبی برای آن فراهم می‌کند؟ و خلاصه این که به کجا می‌رویم و دست‌اندرکاران و گردانندگان امور و صاحبان اریکه‌ها و اهرم‌های قدرت، این مملکت را به چه سمتی سوق می‌دهند؟

بدون شک اگر پاسخ مثبت و مساعدی برای این سؤال‌ها بتصور باشد لازمه‌ی حتمی آن تغییر و دگرگونی در روش‌ها و سیاست‌هایی است که تاکنون اتخاذ و اعمال شده و به اوضاع بقیة در صفحه ۴

اطلاعیه مجاهدین خلق در رابطه با روز جهانی فلسطین

به نام خدا

به نام خلق‌های قهرمان

ایران و فلسطین

مجاهدین خلق ایران ضمن گرامی داشت روز جهانی فلسطین بار دیگر بر وحدت ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی خلق‌ها و انقلابات ایران و فلسطین تأکید می‌کنند.

انقلاب فلسطین به خاطر نقش پیششار و انقلابی همواره در قلوب خلق‌ها و انقلابیون منطقه جای داشته و پیوسته مورد حمایت و وابستگی عمیق توده‌های تحت ستم منطقه بوده و خواهد بود به همین لحاظ مجاهدین

خلق ایران همواره بر ضرورت پیوند انقلاب ایران و انقلاب فلسطین و لزوم تعمیق هرچه بیشتر روابط دو انقلاب تأکید کرده‌اند و در حال حاضر موجب

تأسف ما است که به رغم خواست‌های قلبی توده‌های مردم ایران و به رغم ضرورت‌های انقلابی منطق روابط ایران با فلسطین آن چنان که شایسته است عمق نیافته و لباس عمل و حمایت ملموس و مادی به خود نتوشیده‌است ما بار دیگر تأکید می‌کنیم

که روابط ایران و فلسطین باستانی هرچه بیشتر گسترش یافته و حمایت از فلسطین مضافاً بر جنبه‌های معنوی و سیاسی ابعاد وسیع مادی و عملی نیز پیدا نماید مجاهدین خلق ایران

۱۸/۵۹/۲۹/نوامبر/۱۹۸۰

رونوشت:

سفارت انقلاب فلسطین در تهران مطبوعات و خبرگزاری‌ها

بقیة از صفحه ۱۶

معرفی کتاب:

دوم شامل طرح دفاع از شهر، سنگربندی، اصول نیراندازی در شهر و شیوه‌های کارگزاران داخل ساختمان‌هاست در فصل سوم با سلاح‌های سبک نیمه‌سنگین و سنگین نظیر انواع تیربار، بازوگاوآرسی جی، خمپاره‌انداز و موشک‌آشنای شویم فصل چهارم به آموزش انواع مواد منفجر دست ساز و نظامی اختصاص یافته است.

بقیه از صفحه اول

مرگ بر امپریالیسم! زنده باد آزادی!

هستید.

چه کسی می تواند سابقه خون بار مجاهدین در مبارزه با امپریالیسم را منکر شود؟

آیا فراموش کرده‌اید آنگاه که هر یک از اغلب شما در کنج افاغیت داخل یا خارج کشور در ناز و نعمت غوطه ور بودید، رکیار، مسلسل‌های مجاهدین جان بر کف مزدوران آمریکا در ایران را به خاک و خون می‌کشید؟

آیا دیگر به صلاحتان نیست به یاد بیاورید پنج تن از رهبران قهرمان مجاهد منجمله مجاهد خلق حنیف نژاد به اتهام ضدیت با رژیم آمریکائی شاه پیش پای نیکسون به جوخی اعدام سپرده شدند. آیا فراموش کرده‌اید که سال‌های سال حتی نام مجاهد خلق الهام بخش و امیدوارکننده بسیاری منجمله بخشی از خود شماها بود، آیا حال دیگر به یاد نمی‌آورید که همین مجاهدینی را که امروز باصطلاح دادستان انقلاب شما تحت تعقیب قرار داده همگی سال‌های سال بخاطر مبارزه با امپریالیسم در گوشه‌های زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها بودند؟! حال چه شده‌است که این چنین بی‌پروا و گستاخ ادعا می‌کنید که برای مبارزه با امپریالیسم باید برای مجاهدین خلق محدودیت بوجود آورید، آزادی‌شان را سلب کنید و حتی حق مشروع و قانونی انتشار اعلامیه و نشر پیرا به زعم خودتان از آنها سلب نمائید و آخر کلام اینکه اگر وجدان آگاه و بیدار بر رفتار ما در این ۲۲ ماه نظر کرده به قضاوت بنشیند خواهد دید علیرغم تمام انتقادات خیرخواهانه و اصولی که داشته‌ایم هر جا که کوچکترین اقدام ضد امپریالیستی شده ما با تمام توان به تأیید آن برخاسته‌ایم و از هر کاری برای کمک در این زمینه فروگذار نکرده‌ایم.

آری ما در این مدت هر چه در توان داشتیم برای مبارزه با آمریکا به کار گرفتیم و در عین حال بدلیل اینکه آزادی را لازمی فعالیت گسترده‌ی نیروهای انقلابی یعنی نیروهای واقعا "ضد امپریالیستی" می‌دانیم بر ضرورت آزادی نیز تأکید

را بطور جدی و ریشه‌ای صرف مبارزه با امپریالیسم می‌کردند مبارزه با امپریالیسم چیز ناشناخته‌ای نیست و روش‌های مشخص دارد. برای مبارزه با امپریالیسم تمام نیروهای واقعا ضد امپریالیست را (که نمایندگان افشار و گروه‌های مختلف خلقند) بدون تنگ نظری و انحصارطلبی در جبهه‌ای باید متحد کرد که طبعاً این وحدت در پشت خود صفوف به هم فشرده‌ی خلق را دارد. آنگاه ضمن افشای همه‌ی آنچه که در زمان طاغوت عامل وابستگی بود باید به قطع این وابستگی‌ها در تمام زمینه‌ها پرداخت و در رأس همه باید قراردادهای اسارت با اقتصادی و نظامی را افشا و لغو نمود باید شوراها را در کارخانه‌ها تشکیل داد و باید حقوق ملیت‌های گوناگون و خودمختاری آنها را آزادمنشان به رسمیت شناخت و متأسفانه بیان کار اینان در این زمینه‌ها مثبت نیست. آنها حتی از شعار مبارزه بر علیه آمریکا بیش از آنکه برای مبارزه با آمریکا استفاده کنند به مثابه چماقی برای کوبیدن نیروهای انقلابی استفاده کرده‌اند.

چرا درست از لحظه‌ای که دیگر ضدیت با آمریکا چندان برای کوبیدن دیگران مفید نبود و استفاده‌ی لازم را از گروگان‌ها کرده بودند، ناکهان پرده‌ای از مخفی‌کاری مذاکرات با آمریکا را فرا گرفت و نامه‌های رد و بدل شده با آمریکا بدور از اطلاع همگان ماند.

واقعیت این است که حتی شعارهای ضد امپریالیستی برای آنها بیشتر وسیله‌ای است در جهت خالی کردن میدان از حریف و تمرکز قدرت بطور تمام و کمال در دست‌های واپسگرا و انحصارطلب. به صراحت بگوئیم ضد امپریالیست ترین نیروها منجمله سازمان مجاهدین خلق با تمام سوابق شناخته شده و درخشان‌شان در مبارزه‌ی قاطع و قهرآمیز با امپریالیسم، یا مبارزه با آمریکا یک جا جمع نمی‌شود. و این از روز هم روشن‌تر است. مگر اینکه بخواهید منکر ضد امپریالیست بودن مجاهدین خلق شوید که در این صورت بسزگترین دغلیازان و فریبکاران تاریخ

انتقادات منطقی به دولتی که همین آقایان پشت دولت امام زمان بودنش سنکر گرفته بودند مورد تکفیر قرار گرفته، زیر فشار رفته بود. آیا در دوره‌ای که مبارزه با امپریالیسم و ایادی ساواکی و سیائی آن به یکباره به فراموشی سپرده شده بود و طاغوتیان و مهره‌های امپریالیسم کله‌وار شامل عفو می‌شده، از زندان آزاد می‌شدند آن موقع واپسگرایان ما را بخاطر اصرار بر افشای قراردادهای نام ساواکیان، مبارزه با مهره‌های سیا و واپس مانده‌های رژیم قبلی، مورد طعن و لعن و ضرب و شتم قرار نمی‌دادند؟ آیا قبل از کشف و شهود این حضرات در مورد ضرورت مبارزه با امپریالیسم وقتی به خواب خرگوشی فرو رفته بودند و غافل از توطئه‌های امپریالیسم سر در کار خود داشتند ما آزاد بودیم؟ مراسم ما مورد حمله قرار نمی‌گرفت؟ اعضا و هواداران ما به خاطر فعالیت سیاسی قانونی و رسمی در معرض حمله و دستگیری نبودند؟ روزی بود که مراکز ما مورد حمله و هجوم نباشد؟ آیا همان موقع با تمام فریادهای ما در مورد چماق، آقایان که خود در واقع پشت پرده بودند کوچکترین توجهی کردند؟ واقعیت این است که از

فردای پیروزی قیام این انحصارطلبان در درجه‌ی اول بیشترین فشار را بر روی نیروهای انقلابی و بیش از همه سازمان مجاهدین خلق ایران گذاشتند و سلب آزادی‌ها را در درجه‌ی اول از ما شروع کردند و اتفاقاً "علیرغم تمام نوسانات شگرف در سیاست‌ها از بهبه و چهچه کردن‌های ابتدائی در مورد رقبای تا بزرگ کشیدن آنها از مواضع قدرت وطن و لعن و تکفیرشان آنچه هرگز فراموش نمی‌شده فشار به نیروهای انقلابی بوده است.

مبارزه با امپریالیسم همراهِ با تفرقه افکنی در صفوف متحد خلق!

اگر راست می‌گفتند و واقعا هدف آنها مبارزه با امپریالیسم بود به جای صرف این همه انرژی برای تحدید آزادی‌ها و منجمله این همه فشارهای سیاسی، تبلیغاتی و نظامی بر علیه ما انرژی خود

می‌کوبند و ضد امپریالیست هستند، به جای مبارزه با آزادی "شعار و عمل" ضد امپریالیسم آمریکا را پیشه کنند. مطمئن باشند که در شرایطی که جامعه‌ی ما سراپا فریاد ضد امپریالیستی باشد آزادی جز برای مبارزه با امپریالیست‌ها جولانگاهی نخواهد داشت.

به اعتقاد ما مبارزه‌ی این آقایان با آزادی، مبارزه با آزادی در تمامیت خود و در جهت ایجاد خفقانی از نوع قرون وسطائی است. چرا که اگر چنین نبود، بیشترین تضییق و فشار و ضدیت و دشمنی را با مجاهدین خلق بعنوان سابقه‌دار ترین جریان ضد امپریالیستی این میهن روا نمی‌داشتند. اگر راست می‌گوئید که از سلطه‌ی مجدد آمریکا توسط آزادی‌های غربی هراس دارید، حداقل شعار "مرگ بر آمریکا" را ممنوع نکنید، نه این که شعار "مرگ بر آزادی" را جانسپین آن سازید! حداقل برای کسانی که "مرگ بر آمریکا" می‌گویند، "آزادی" قائل شوید!

کرده و در این راه ده‌ها شهید و صدها زخمی و اسیر داده‌ایم و با یافشاری هر چه بیشتر علیرغم تمام عوامفریبی‌ها به این راه ادامه خواهیم داد. و آنچه این روزها در کشور ما می‌گذرد یعنی عجز و ناتوانی واپسگرایان و سازشکاران از حل مسائل و مشکلات جامعه و روی آوردن دم افزون نوده‌ها به سازمان مجاهدین خلق ایران بهترین گواه بر حقانیت راهی است که در آن کام می‌زنیم. و به همین دلیل می‌گوئیم بستن دست مجاهدین خلق و سلب آزادی از آنها یعنی بازگذاشتن دست امپریالیسم برای غارت خلق و لیبخند پذیرش به آمریکا.

مرگ بر آزادی، به جای مرگ بر آمریکا!

خلاصه‌ی کلام: آقایانی که تحت این عنوان که غربگرایان می‌خواهند از راه آزادی پای آمریکا را دوباره به این میهن بکشایند به مبارزه با آزادی برخاسته‌اند، اگر بواقع راست

اعتراض و اعتصاب غذای

زندانیان سیاسی

هوادار مجاهدین در زندان اوین

رسیدگی به وضع مان پس از گذشت ۲۰ روز دست به اعتصاب غذای تر زده (۵۹/۹/۱) ولی در روز دوم اعتصاب غذا (۵۹/۹/۲) مسئولین بند نامبرده بالا با ندادن چای و غیره... اعتصاب غذای ترمان را عمداً به اعتصاب غذای خشک تبدیل کرده‌اند. و جای بسی تعجب است که اینگونه اعمال در زندان‌های رژیم امریکائی شاه کمتر به چشم می‌خورد. از مقامات مسئول تقاضای رسیدگی فوری به این مسائل را داریم. توجه به اینکه از نظام جمهوری اسلامی بیش از اینها انتظار داشته و داریم.

بنام خدا ریاست محترم دادستانی تهران محترماً به عرض می‌رساند اینجانبان زندانیان سیاسی هواداران مجاهدین خلق سلول ۹ بند ۱ موقت اوین. اولاً: راجع به دستگیری خود. برطبق اصل مصرحه در قانون اساسی مبنی بر تفکیک قوای سه‌گانه و عدم دخالت آنها در یکدیگر به دستگیری خود هنگام پخش نشریه‌ی مجاهد اعتراض داریم.

ثانیاً: با توجه به اصل ۳۲ قانون اساسی مبنی بر ابلاغ کتبی یا شفاهی (طرف ۲۴ ساعت) اتهام شخص متهم که باید به وی ابلاغ شود با گذشت بیش از ۲۰ روز از دستگیریمان تاکنون (۵۹/۹/۲) که به ما ابلاغ نشده معترض می‌باشیم. ثالثاً: بعنوان اعتراض به دستگیری غیرقانونی و عدم

رونوشت: دادستانی و روزنامه‌های: انقلاب اسلامی، میزان کیهان زندانیان سیاسی هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران

بقیه از صفحه ۲

نگاهی به گذشته

و احوال کنونی انجامیده است که متأسفانه بدون تعارف و سامحه باید گفت که عملگردها و سابقه تقریباً ۲ ساله گذشته امید کمتری در این زمینه باقی می‌گذارد.

نظری به عملکرد و سیاست‌های دوسال گذشته که تقریباً بلا وقفه نیز مورد انتقاد و اعتراض مجاهدین خلق قرار گرفته (انتقادهای و اعتراضاتی که متأسفانه هیچ‌گاه هم ترتیب اثری بدان داده نشده است) نشان می‌دهد که اوضاع و احوال کنونی کشور با تمام مسائل و مشکلاتش نتیجه مستقیم این عملگردها و سیاست‌هاست. عملگردهایی که فقدان عنصر انقلابی اصیل (منهای شعر و شعار)، با کنار زدن نیروهای انقلابی و انحصارطلبی واپس‌گرایانه وجه مشترک تمامی آنها را تشکیل می‌دهد.

از همان ابتدای سرنگونی رژیم شاه و تکوین سیستم جدید می‌بینیم که هیچ یک از عناصر انقلابی که سال‌ها مبارزه‌ی انقلابی با رژیم شاه را پشت سر گذاشته و سال‌ها رنج زندان و شکنجه را تحمل کرده و بدون شکنجه‌برانداختن آن رژیم سهم انگارناپذیری داشتند در هیچ یک از نهادها و ارگان‌هایی که می‌بایست اداره و استمرار انقلاب را تأمین و آن را به سمت پیروزی سوق دهند حضور ندارند و با وجود کارآئی‌ها، آگاهی‌ها و دانش اجتماعی - انقلابی که داشتند از همان ابتدا کنار گذاشته می‌شوند.

بدین ترتیب بافت دوگانه و نامنسجم و متضادی در حاکمیت شکل می‌گیرد که فاقد عنصر انقلابی است و بعد از این تمام عملگردهای این حاکمیت که البته جنبه‌ی غالب آن را جناح انحصارطلب واپس‌گرا تشکیل می‌دهد دارای دو بعد کاملاً مشخص و متمایز است که یکی عبارت است از خط عملکرد سیستم در کنار زدن و نهایتاً ضدیت با نیروهای انقلابی و دیگری عملکرد آن در رابطه با تضادهای درونی خود. و بعد از آن تمام گارها و حوادثی که به وقوع می‌پیوندند در جوهر خود به نحوی از آنها - این دو جنبه را می‌تواند و یا به طور جداگانه در بر دارد. از جنگ کردستان، که ثمره ناتوانی در برخورد با مسأله ملیت‌ها و امتناع انحصارطلبان از تأیید و ادای حقوق مشروع و دموکراتیک مردم است تا برخورد با مسأله شوراهای، از تصرف جاسوسی خانه‌ی آمریکا و گروگان‌گیری که با شعارهای ضد امپریالیستی صورت گرفته و بیشتر اساساً در جهت تصفیه حساب‌های درونی حاکمیت و خلع سلاح نیروهای انقلابی بکار گرفته می‌شود تا یک مبارزه‌ی ضد امپریالیستی واقعی و اصولی، و در سایه‌ی آن دولتی که تا دیروز در برابر انتقادات نیروهای انقلابی از آن، به عنوان دولت واجب‌الاطاعه و دولت امام زمان نام برده می‌شد، به عنوان لیبرال‌های سازش‌کار و غرب‌گرا ساقط می‌شود و پس از آن جاسوس‌های گروگان آمریکائی و مسأله‌ی گروگان‌ها به برگ و حربه‌ی در دست نیروهای انحصارطلب تبدیل می‌گردد که در مقاطع متعدد در مبارزات درونی و جهت کنار زدن نیروهای رقیب و تصاحب هرچه بیشتر قدرت به کار گرفته می‌شود. انتخابات پی در پی را با عوام‌فریبی و روش‌های شناخته شده که تاکنون افشا شده و در پرتو مسأله‌ی گروگان‌ها به نحو مطلوب! و به نفع خود فاتحانه از سر می‌گذرانند. در حقانیت این مطلب که چگونه متولیان انحصارطلب در خلوت نیت باطنی خود را برای استفاده از برگ گروگان‌ها علیه رقبای سیاسی بر زبان آورده و پیرامون آن توطئه‌چینی می‌نمودند مجاهدین خلق ایران سند غیر قابل انکاری در دست دارند. این سند که ضمن آن صراحتاً چاق‌داری بر علیه مجاهدین نیز طراحی و دستور داده شده همراه با بسیاری اسناد دیگر قابل افشا است. سپس نوبت به اصطلاح انقلاب فرهنگی می‌رسد. توطئه‌ای که مشخصاً علیه نیروهای انقلابی و برای تسخیر و تصرف دانشگاه، این سنگر آزادی و مشعل همیشه فروزان فریاد و اعتراض علیه استبداد و استعمار و استثمار طرح‌ریزی

هنوز مردم ما نه از مضمون مذاکرات سری مجلس و نه از پیام گارتربه نخست وزیر ایران و نه از پاسخی که آمریکا به ایران داده است و نه... به درستی خبردارند

شده و با پشت سر گذاشتن حوادثی خونین نهایتاً به تعطیل دانشگاه‌های سراسر کشور منجر می‌گردد.

تحت عنوان تصفیه و پاکسازی عناصر ضد انقلاب و طاغوتی افراد و عناصر مترقی و مبارز را هم از دم تیغ می‌گذرانند و از کار بی‌گاری می‌کنند. صدیق‌ترین وزحمت - کشرترین افراد که کمترین شک و شائبه‌ی هواداری از گروه‌های سیاسی و به ویژه مجاهدین دربارهی آنها برود از گار برکنار می‌شوند عملگردهایی که بیش از هر چیز یادآور روش‌های رستاخیزی رژیم گذشته است. چنان که گوئی کلیه‌ی افراد برای برخورداری از حق کار و تأمین شغلی در نهادها و ارگان‌ها و ادارات رسمی و دولتی یا باید طرفدار حزب حاکم بوده، و یا در برابر آن تسلیم باشند. دامنه‌ی این گار تا بدانجا گشیده که حتی دانش‌آموزان هوادار سازمان مجاهدین را از مدارس اخراج می‌کنند و چنان جوی از اختناق و استبداد و تفتیش عقاید در محیط‌های آموزشی ایجاد نموده‌اند که سیاست‌های ارتجاعی قرون وسطایی را تداعی می‌کند.

این قبیل عملگردها که از ماهیت نیروهای انحصارطلب حاکم نشأت می‌گیرد و متأسفانه اصرار فراوانی نیز در منتخب کردن آن به اسلام به کار می‌رود البته روش‌های برخورد متناسب با خود را نیز طلب می‌کند. و در این رابطه است که ما شاهد سیاست چماق و چماق‌داری تقریباً از همان اوایل پیروزی انقلاب بر رژیم شاه هستیم که همچون خط تاریک و سیاهی در تمام این دو سال در مناسبات جناح انحصارطلب حاکم با نیروهای دیگر به ویژه نیروهای انقلابی و بالاخص مجاهدین خلق گشیده می‌شود. به طوری که این سیاست تاکنون علاوه بر هزارها مجروح و مصدوم بیش از ۲۰ شهید از مجاهدین خلق قربانی گرفته است بی آن که حتی در یک مورد به فریادهای شکایت و اعتراض‌ها از طرف نهادهای رسمی رسیدگی شود.

سیاست ظاهراً غیر رسمی چماق‌داری به طور رسمی نیز با دستگیری و بازداشت و زندانی کردن اعضاء و هواداران گروه‌های سیاسی که متأسفانه غالباً با ضرب و جرح و اعمال شکنجه‌های غیر انسانی نیز همراه می‌باشد، تکمیل می‌شود، به طوری که در حال حاضر قریب ۸۰۰ نفر از اعضاء و هواداران مجاهدین خلق در زندان‌ها بسر می‌برند و اخیراً مجاهدین خلق گزارش مستندی نیز از اعمال شکنجه‌های غیر انسانی علیه اعضاء و هواداران خود به پیشگاه خلق قهرمانان تقدیم کرده‌اند.

وضع امروز زندانیان سیاسی و مسأله‌ی شکنجه‌مضافاً بر تمام جوانب اوضاع و احوال کنونی کشور خود به روشنی بیان این حقیقت است که سیاست‌های واپس‌گرایانه و عملگردهای غیرانقلابی و غیر مردمی و ضدیت با نیروهای ترقی‌خواه و انقلابی نهایتاً از کجاها سردر می‌آورد. آزی امروزه ما به جایی رسیدهایم که هنوز دوسال از پیروزی قیام نگذشته باید مجدداً به مسأله‌ی شکنجه و زندانیان سیاسی بپردازیم. امروزه ما به جایی رسیدهایم که مجدداً زندان‌ها از مجاهدین خلق پر می‌شود و آن‌ها را رسماً تحت تعقیب قرار می‌دهند. امروزه ما به جایی رسیدهایم که قدرت پرستان و انحصارطلبان رسماً و علناً و عوام‌فریبانه به جنگ با آزادی برخاسته‌اند و این خیزش به سمت اختناق و استبداد هرچه بیشتر با شعارهای ضد اصطلاح ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی می‌پوشانند، در حالی که صحنه‌ی عینی و عملی جامعه بهترین آزمایشگاه است و عملگردهای این نیروها که امروزه بر علیه آزادی قیام کرده‌اند، به روشنی نشان می‌دهد که تمام شعارهای ضد امپریالیستی و ضد لیبرالی آنها نیز از مواضع انحصارطلبانه، و نه فی‌الواقع از مواضع ترقی خواهانه ناشی می‌شود و گر نه هیچ نیروی واقفاً ضد امپریالیست این بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۴

بحران اعتماد...

بله! اگرچه آقایان بالاخره در طول ۲ ماه تسلیم برخی واقعیات شده‌اند و دیگر نمی‌خواهند مثل اوایل جنگ با توپ و تشر صف‌ها را از بین ببرند و یا قیمت‌ها را پائین بیاورند (حتی خود راساً وارد شده قیمت‌ها را افزایش هم می‌دهند!) اما باز از قبول و اعتراف این نکته که کمبود وجود دارد و "صف" معلول وضعیت جنگی است ابا دارند، معلوم نیست که این‌آیا به علت آنست که آقایان در ضمیر نا-خودآگاه خویش به این نکته واقفند که مسئول عمده‌ی وضع فلاکت‌بار کنونی می‌باشند یا این که...

به هر حال هرچه که باشد این نکته در آن مستتر است که حضرات به فهم و شعور مردم کم بها می‌دهند، ذکر نمونه‌های دیگر این مسأله را به روشنی نشان خواهد داد.

دروغ ملیح آقای وزیر

آقای وزیر آموزش و پرورش جدید در اولین مصاحبه‌ی رادیوتلوویزیونی خود بعد از انتصاب به شغل جدید ضمن بسیاری از حرف‌ها و وعده‌ها در جواب سؤالی - پیرامون سوخت مدارس می‌فرمایند: از این نظر جای هیچ‌گونه نگرانی نیست زیرا ما از قبل پیش‌بینی لازم کرده‌ایم به این ترتیب که هر مدرسه سوخت زمستانی خود را از تابستان تهیه کرده است!

دروغ آن هم با این ناشی‌گری واقفاً که نوبر است و هر بچه‌ی مکتبی و غیر مکتبی! به آن می‌خندد، خب برادر! شما از آن طرف مرتب به مردم نهیب می‌زنید که مواد سوختی انبار نکنند، خطرناک است، هرکس چنین کند محکوم است ضد انقلاب است، عامل دشمن است چه است و چه است... حتی برای تنبیه و جریمه‌ی این افراد قانون و سیاست مقرر می‌کنید، اما از آن طرف خودتان می‌گوئید که تمام مدارس، که مصرف سوختشان چند برابر یک محل مسکونی است و حد اقل چند هزار لیتر را شامل می‌شود، از تابستان! نفت انبار کرده‌اند؟

اما خب جای نگرانی نیست، زیرا مردم باور نخواهند کرد. حد اقل به یک دلیل از بقیه در صفحه ۱۳

بقیه از صفحه اول

وحشیگری چماقداران و حامیان مسلح آنها در آمل

چماقداران با هجوم به خانه شهید بکمک گاز اشک آور و تیراندازی جسد را از خانه ربودند.

کرده و در نهایت به قادی محله این شهر هجوم برده و قصد درگیری و تشنج داشتند که با مقاومت دلیرانه‌ی مردم آگاه محله پراکنده شدند.

اما ساعتی نگذشته بود که بار دیگر (در ساعت ۵ بعد از ظهر) حدود ۳۰۰ نفر چماقدار که اکثراً از روستاهای اطراف اجیر شده بودند و با حمایت دهها نفر ژند بدست که به لباس پاسدار ملیس بودند به قادی محله آمده و به تکیه‌ی این محله هجوم بردند. مهاجمین با مقاومت مردم روبرو گشتند و سرانجام با استفاده از گاز اشک آور و تیراندازی پاسداران با وحشیگری تمام که بیشتر خاطرات دوران شاه جلا در زنده می‌کرد موفق می‌شوند حدود ۴۰ نفر از زنان و مردان شرافتمندی را که از تکیه‌ی خود دفاع می‌کردند دستگیر و بیش از ۱۰۰ نفر را مجروح کنند. این حملات وحشیانه تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت و در گوشه و کنار محله، مردم برای جلوگیری از گاز اشک‌آور اقدام به روشن کردن لاستیک نمودند.

صبح پنجشنبه نیز چماقداران و ژند بدستان شهر را قرق کردند و هر کس قصد خروج از خانه را داشت با رگبار هوایی وادار به بازگشت می‌شد. ولی علیرغم اینها خانواده‌های محله و افراد دستگیر شده در فرمانداری آمل متحصن شده و خواستار رسیدگی به وقایع دیروز و بازگشت امنیت آزادی به شهر بودند. ولی از مقامات مسئول جوابی نشنیدند چماقداران با حمایت افراد مسلح پاسدار و قاحت را به آنجا رسانده که به متحصنین حمله‌ور شده و با گاز اشک‌آور و تیراندازی شروع به پراکنده کردن مردم بخصوص خانواده‌های متحصن نمودند. زد و خوردها و حملات وحشیانه ادامه داشت و در بعد از ظهر پنجشنبه گازرگ مجاهد حسین سالار محمدی با گلوله‌ی ژند که به قلبش اصابت نمود به شهادت رسید. مردم آمل جسد وی را به خانقاه بردند ولی پاسداران و چماقداران با هجوم به خانه‌ی شهید به کمک گاز اشک‌آور و تیراندازی جسد را از خانه ربودند، و اجازه‌ی دفن و تشییع به خانواده‌اش علیرغم گواهی فوتی که داشتند نداده، و خودشان مخفیانه جسد را به

متن اعلام جرم

خانواده مجاهد شهید سالار محمدی

بسم الله الرحمن الرحیم جناب دادستانی کل کشور: بار دیگر گارگر مظلومی بدست چماقداران و ژند بدستان و در راه خدا و خلق به شهادت رسید و لگه‌ی ننگ دیگری بر دامن آنها بی‌گذاشت که به نام دین و مسلمانی تیشه به ریشه‌ی اسلام می‌زنند روز گذشته پس از سه شبانه روز یورش و حمله‌ی مسلحانه عدای در لباس پاسدار به مردم بی‌پناه و ایجاد حکومت نظامی در شهر فرزند گارگرمان که هوادار مجاهدین خلق بود و در راه آرمانهای انقلابی اسلام راستین گام برمی‌داشت به ضرب گلوله‌ی ناچوا خمردانه پاسداری از پای درآمده و به شهادت رسید.

آنها ساعت ۲ بعد از نیمه شب جنازه‌ی فرزند شهیدمان را آورده و تصمیم داشتند با پرداخت چهل هزار تومان ما را تطمیع کرده و خون شهید را پایمال کنند. البته ما می‌دانیم که اگر اینکار را انجام می‌دادیم و با خون او معامله می‌کردیم روح او همیشه در سر پل صراط و روز قیامت در سر پل حال چه راه را بر ما می‌بست حال چه دستهای پشت سر است و این پول را چه کسانی فرستاده بودند خدایماند، ولی بی شک عاملین از خدا بی‌خبر اینگونه جنایات و وحشیگریها بالاخره رسوا خواهند شد.

آنها پس از اینکه از این امرنا امید شدند برای فماندن از تشییع جنازه‌ی فرزندمان خانه‌را به محاصره‌ی چماقداران درآورده و با ایجاد رعب و وحشت جنازه‌ی او را گرفته و بدون حضور مردم و بستگان حتی خانواده‌ی او اقدام به دفن آن مینمایند و ما می‌خواهیم بدانیم که در کجای دنیا دیده شده که با مردم اینگونه رفتار کنند. ما حتی در زمان شاه جنایتکار می‌توانستیم شهادی خود را تشییع کنیم و عمل رژیم شاه جرات چنین کاری را که پاسداران با ما کردند نداشتند و سپس با کمال بی‌شرمی اعلامیه‌ای پخش کردند و برای لوٹ کردن

شهادت فرزندمان مقداری دروغ سرهم‌بندی کردند و می‌خواستند شهادت او را به دیگران نسبت دهند البته گواهی پزشکی که در آن قید شده فرزندمان مجاهد شهید حسین سالار محمدی در اثر اصابت گلوله به قلبش از پای خونریز آدمکش را بازگرد. همه‌ی مردم آمل می‌دانند که چماقداران و ژند بدستان به نام پاسدار چندین روز است با گلوله و گاز اشک‌آور هرگونه آسایش و امنیت را از مردم سلب نموده و می‌خواهند به شیوه‌ی دیکتاتورها صدای اعتراض و فریادهای حق طلبانه مردم را در گلو خفه کنند. ما نسبت به قاتلین فرزند شهیدمان که عناصر وابسته‌ی پاسداران بخصوص چهره‌ی منفور و کثیف آخوند دشتی که یکی از سردمداران این جریان بود اعلام جرم نموده و از شما می‌خواهیم که هرچه زودتر پاسدار قاتل را دستگیر و دست‌اندرکاران را به سزای اعمالشان برسانید در غیر اینصورت در این ماه محرم شکایت شهادت مظلومانه‌ی فرزند مجاهدمان را پیش هفتاد و دو تن شهادی گریلا و سرور شهیدان حسین بن علی (علیه‌السلام) می‌بریم و قسم یاد می‌کنیم که روز قیامت نه ما و نه فرزندمان از قاتلین و شما نخواهیم گذشت

خانواده‌ی مجاهد شهید حسین سالار محمدی ۵۹/۱۳/آذر/۱۴
مصطفی سالار محمدی و محمد سالار محمدی (برادران شهید) اثر انگشت مولود محمدی (همسر شهید) اثر انگشت مصطفی سالار محمدی (خواهر شهید) اثر انگشت عذرا جوان (مادر شهید)
رونوشت به: دفتر ریاست جمهوری آقای بنی‌صدر رئیس مجلس شورای اسلامی روزنامه‌ی انقلاب اسلامی روزنامه‌ی میزان وزیر کشور آقای مهدوی‌کنی

گورستان برده و فردی به نام دشتی که خود مسبب اصلی این جریانات است جنازه را دفن می‌کند. مردم آمل از وقایعی که دقیقاً دوران دیکتاتوری شاه کثیف را به خاطر می‌آورد در بهت و حیرت بوده ولی هم چنان مانند آن دوران فعال و پرخروش از حیثیت و شرافت خود و احقاق آزادی و امنیت که از حقوق اولیه‌ی هر انسانی است دفاع می‌کنند. مردم در فرمانداری متحصن می‌شوند، و چندین مدرسه به حمایت از مردم آمل تعطیل شده و طی تظاهرات آرامی خواستار

حدود ۴۰۰ نفر از هواداران توسط مهاجمین دستگیر شدند که از این عده بیش از ۷۰ نفر هنوز در زندان هستند.

رسیدگی قانونی به این وقایع شده‌اند، هم‌اکنون مردم آمل با بیش از ۷۰ زندانی مربوط به این جریان (البته زندانیها ۲۰۰ نفر بودند که در اثر فشاری که مردم آوردند تعدادی از آنها آزاد شدند) و داشتن بیش از سیصد زخمی و مجروح و یک شهید بانامهای مکرر

طبق دستور ۳۱۸۱۰ راجه‌ی منبر آمل بمسرحه مورخ ۵۹/۹/۱۳ از جسد مرحوم حسین سالار محمدی معاینه بخل آمد نظر از جلوه‌ی قفسه‌ی صدری از جلو قفسه صدری وارد راجه‌ی منف صدی طرف راست حدود زیر بغل خارج سرباست و باعث پارگی قلب و عروق بزرگ گفن و دفن بلا مانع می‌باشد دکتر محمد رضوی

گواهی می‌شود طبق دستور ۳۱۸۱۰-۵۹/۹/۱۳ دادستانی محترم آمل به صورت جلسه‌ی مورخ ۵۹/۹/۱۳ از جسد مرحوم حسین سالار محمدی معاینه بعمل آمد گلوله از جلو قفسه صدری از ناحیه قلب وارد و از پشت قفسه صدری طرف راست حدود زیر بغل خارج شده است و باعث پارگی قلب و عروق بزرگ فوت گفن و دفن بلا مانع می‌باشد. دکتر محمد رضوی

که، بنزین کمه، بودجه نیست، ناچاریم بنزینو گرون کنیم، شما هم باید تحمل کنید، به خدا ما قبول می‌کردیم، گذشت ما خیلی بیش از این حرفاست، مگه تا حالا نکردیم؟ مگر دوران انقلاب نکردیم؟ تو انقلاب ما دار و ندارمون فروختیم و خوردیم، گفتیم انقلابه باید صبر کرد، زخم هرچه طلاآلات داشت برد داد خانه سازی مستضعفین، اما حالا دیگه حاضر نیستیم، چون دیگه اعتماد نداریم، ببینید سر همین بنزین چه بازی سر ملت درآوردن! اولش گفتن ضدانقلاب صاف درست می‌کنند! بعد معلوم شد که بنزین کمه! الان هم که میخوان بنزینو گرون کنن میان آسمون و ریسمون به هم می‌بافن. خب بابا مردم که خر نیستن، میگن مابها لفتاوت میدیم، ما باور نمی‌کنیم، اون دفعه هم قرار بود بدن، ندادن خوردن رفت، خب وقتی لیتر ۲ زارو ندادن ما چطور باور کنیم لیتری ۲ تومنو میدن؟! ممکن است که مقامات دست‌اندرکار، این حرفها را هم "نشر اکاذیب" و "پخش شایعات" بدانند اما واقعا کیست که این حرفها و نظیر اینهارا نشنیده باشد و هر روز نبز نشنود و نداند که این حرفها زبان حال بسیاری از مردم از هر قشر و صنفی است؟ البته ما در اینجا تاکید نمی‌کنیم که همه موارد این حرفها و درد دلها دقیقا منطبق با واقعیت است، بلکه جریان عمومی رابطه مردم با مقامات و مسئولین را مدنظر داریم.

اکنون مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی با خود می‌اندیشند که چه میزان از آن سرمایه عظیمی را که پس از انقلاب به بهای خون هزاران شهید نصیب ایشان شده بود حفظ کرده‌اند؟ و همچنین آیا هیچ می‌اندیشند که خود تا چه اندازه در به باد دادن این "سرمایه خون آورده" سهم بوده‌اند؟ گمان نمی‌کنیم که آقایان زحمت این اندیشه‌های

مسائل و مصائب و کمبودها و... نیز با خود همراه می‌آورد. که این آثار اخیر شامل همه افراد و اقشار مملکت می‌شود (برخلاف تلفات و ضایعات مستقیم که عمدتاً مردم نواحی درگیر جنگ را دربرمی‌گیرد). دولتهای مردمی که هیچ ستر پنهانی با خلق ندارند، اگر در جنگی درگیر شوند، که البته جنگی عادلانه و بخاطر مردم است، مردم نیز طبعاً

دیدند و میدانستند و لمس میکردند

توهین و ارباب شیوهی مکتبی! حل مسألهی کمبودها!

اما آقایان نه تنها هیچ تدبیر صحیح و اساسی در جهت رفع مشکلات مردم و در جهت تامین کالاهای مورد نیاز اتخاذ نمی‌کردند و باز نه تنها توضیحی در مورد این مسائل و

مردم را از کمبود مواد غذایی بترسانند و دز همان صف اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس را منتشر می‌سازند، من به تمام مردم تذکر می‌دهم و اعلام می‌کنم که این گونه اعمال کارهای ضد انقلاب است یعنی احتکار کردن و ذخیره کردن بیجا و بیش از نیاز و حرص زدن. برای احتکار، کارهایی بر خلاف جهت مصالح انقلاب است! برای مردم مظلوم تحمل انواع محرومیتها و رنج انتظاراتی چند ساعتی برای بدست آوردن مایحتاج روزانه کافی نیست که باید به عنوان "ضد انقلاب" از جانب آقایان هم مفتخر شوند! مردم وقتی در صفاها به هم می‌رسیدند با لبخند تلخی به یکدیگر می‌گفتند، "پس شما هم ضد انقلاب هستید!" و یا "چه جوری است که همه مردم ضد

بقیه از صفحه اول

بحران "اعتماد عمومی"

نگاهی به موضعگیریها و برخورد های مقامات مملکتی در رابطه با کمبود های ناشی از جنگ

ملال آور را به خود بدهند، این را تجربه‌ای که از رفتار گذشته آنان داریم می‌گوید، تا بحال چنین بود که مقامات مسئول، گناه تمام شکستها و ناکامیهای خود و از جمله بی‌اعتمادی عمومی را به گردن مخالفین خود و نیروهای انقلابی بخصوص مجاهدین گذاشتند و در هیچ موردی اساساً به این فکر نیفتادند که نکند اشکال از خودشان باشد و یا لااقل یک جای کار آنها عیب‌ناک باشد. نه اصلاً!

خود را برای تحمل همه‌گونه عواقب آن آماده می‌کنند، لذا این دولت‌ها ترسی ندارند از اینکه تلفات و ضایعات خاصی جنگ و هم آثار و مسائل جنبی آن را همانگونه که هست با مردم خود در میان بگذارند و از ایشان استمداد بطلبند، اما مقامات مملکت ما نه تنها از بیان واقعیت رویدادها و تلفات و ضایعات نیروهای ما در جبهه به مردم خودداری کرده‌اند و می‌کنند، بلکه حتی از قبول واقعیت‌هایی نظیر کمبود کالاها و نظایر آن که مردم در همه جای کشور آن را همواره لمس می‌کنند نیز خودداری می‌ورزند.

مشکلات به مردم نمی‌دادند بلکه این واقعیات را صرفاً شایعات و اکاذیبی که دشمنان و ضد انقلاب پراکنده اند به حساب می‌آوردند و کسانی را که از سر ناچاری و برای تهیهی ما یحتاج زندگی در صف می‌ایستادند با انواع فحش‌ها و ناسزاها و توهین‌ها آزرده و منزجر می‌کردند. مثلاً روزنامه‌ی ارگان حزب حاکم در سرمقاله‌ی اول مهرماه خود چنین می‌نویسد: "ضد انقلاب، سواکی‌ها و مزدوران رژیم سابق دست به ایجاد صف‌های مصنوعی برای نفت، بنزین و مواد اولیه خواهند زد تا بدین ترتیب حلقه‌ی به هم پیوسته‌ی جنگ عظیم روانی کامل تر شود."

وقتی مقامات مسئول از تربیون رسمی مجلس درباره‌ی مسائل این چنین اظهار نظر کنند و همه‌ی مردم را ضد انقلاب و عامل دشمن و... بدانند تکلیف بقیه‌ی مقامات! از امام جمعه‌ها گرفته تا روزنامه‌های دشمن شیوه‌ی مرسوم آنانست نگفته روشن می‌باشد که چطور بی‌دریغ بر سر مردم انواع فحش و ناسزا و طعنه و تعریض باریزند از قبیل ضد انقلاب، مزدور صدام خبیث، در خدمت آمریکا، چپ‌آمریکائی ستون پنجم دشمن، محتکر و...

کجروی و برخورد های ناصادقانه علت بی‌اعتمادی مردم است

ما در اینجا سعی می‌کنیم که با بیان موضع‌گیری‌ها و عملکردهای مقامات مسئول و غیرمسئول! مملکتی حول مسائل و کمبودهای ناشی از جنگ (به عنوان نمونه) نشان بدهیم که چگونه این برخورد های غلط و ناصادقانه‌ی خود حضرات بود که باعث شده آن اعتماد نامحدود روزهای اول، که به گفته‌ی آن راننده‌ی تاکسی و اظهار مکرر خود آقایان، مردم حاضر بودند با یک تقاضا تمام خود را در و هست و نیست بگذارند و به انقلاب تقدیم کنند، جایش را به روحیه‌ی بدهد که همان مردم حالا قسم و آیه‌ی حکومت را باور نمی‌کنند و حاضر نیستند از آنچه که حق خود می‌دانند صرف‌نظر کنند طبیعی است که هر جنگی علاوه بر تلفات و ضایعات مستقیم در میدان جنگ بسیاری

ممکن است که توجیه تضعیف روحیه و استفاده‌ی اطلاعاتی دشمن را در عدم انتشار اخبار صحیح مربوط به جبهه بتوان تاحدودی پذیرفت (هرچند همین جنگ اخیر نشان داد که اولاً واقعیات جبهه را هم برای مدت محدودی می‌توان مخفی نگه‌داشت و حقایق بالاخره از پرده بیرون خواهد افتاد و گتمان کردن فایده‌ای ندارد، ثانیاً همچنانکه دیدیم آگاهی یافتن به شکستها و ضربات اولیهای که تجاوزگر وارد آورده آویزی نیست که روحیه‌ی مقاومت مردم را تضعیف کند بلکه برعکس باعث راسختر شدن عزم خلق در دفاع از میهن خویش می‌گردد). اما معلوم نیست انگار آقایان را در مورد کمبود و گرانی کالاها و مواد ضروری و تبلیغات در این مورد را که در ابتدای شروع جنگ به شدت رواج داشت چگونه باید توجیه کرد؟ اینرا که دیگر همه مردم می-

زرنگی حقارت‌بار کاسب- کارانه را ببین! به خیال خودش می‌خواهد علاج واقعه را قبل از وقوع کند و مردم را با این توپ و تشرها و فحشو ناسزاها مرعوب کند چون می‌داند به دلیل وقوع جنگ و صدمات ناشی از آن و هم چنین ندانم‌کاری‌ها و عدم پیش‌بینی- های خودشان کمبود امری قهری است! و یا رئیس مجلس شورا در سخنانی که در روزنامه‌ی دوم مهرماه حزب حاکم چاپ شده چنین می‌گوید:

"عده‌ای از این آقایان بی‌کار ماشین‌های خود را از خانه‌هایشان بیرون آورده و در صفوف پمپ‌های بنزین نگه داشته‌اند، برای این که مردم را از کمبود بنزین به وحشت بیندازند. عده‌ای دیگر در برابر مغازه‌های فروشنده‌ی مواد غذایی اجتناع می‌کنند و صف مصنوعی ایجاد می‌نمایند تا

اما بالاخره واقعیت سرخست تر از آن بود که آقایان بتوانند گمناش کنند، ناچار سر تسلیم در مقابلش فرود آورده و پذیرفتند که واقعا کمبودهایی وجود دارد!" و دست به جیره بندی مواد غذایی و کالاهای ضروری زدند، امام جمعه‌ی تهران در خطبه‌ی نماز ۳۰ آبان چنین گفت: " مردم ما هر کدامشان در هر نقطه‌ای از مناطق این مملکت و در هر قشری از اقشار اجتماعی زندگی می‌کنند مشکلات را لمس می‌کنند، همه‌ی ما هر کس نان لازم دارد، در صف می‌ایستد، صف مال امروز هم نیست در گذشته هم نانوائی‌ها غالباً شلوغ بود. یک وقت بدون صف می‌ایستند، یک وقت با صف می‌ایستند. بسیاری از اوقات همیشه صف‌های شلوغ بود. گاهی صف نمی‌بندند، گاهی صف می‌بندند." بقیه در صفحه‌ی ۴

اعتراض گسترده بر علیه حکم ساواک مآبانه احضار رهبران مجاهدین

بقیه از صفحه اول

ما در این شماره بختی از این اعتراضات را از نظران می‌گذرانیم زیرا جاب همی آنها بدلیل حجم زیادشان از یک سو و کمیود جا از سوی دیگر امکان پذیر نبود. امید است در شماره‌های بعدی بتوانیم حتی الامکان آنها را منتشر سازیم.

هموار کردن راه اسارت و وابستگی به امپریالیست‌ها ندارد، به تمر برسد. بویژه که نیروهای انقلابی و ترقیخواه چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی در برابر چنین اقداماتی ساکت ننشسته و بی‌پوسته آنها را افشا خواهند نمود.

در همین رابطه است که از سوی نیروها و شخصیت‌های مترقی و مبارز داخلی و خارجی محطه نست به حکم ساواک مآبانه باصطلاح دادستانی انقلاب مرکز اعتراضات گسترده‌ای شده و همچنان ادامه دارد.

حد با آنها اهل معامله باشد تحت دیگری است. اما ناآنگا که به خلق مبارز و آگاه ما مربوط می‌شود بهیچوجه اجازه نخواهند داد که اینگونه توطئه‌های ارتجاعی که هدفی جز بازگشت به پوسیده‌ترین نظامات قرون وسطایی و نشیجنا و خرسند سازد. و بخصوص که حرکات بست برده و مذاکرات محرمانه‌ی دست اندرکاران سیاست ایران با آمریکائی هادر چنین شرایطی ادامه دارد!

البته اینکه حضرات چه طرفی از این خوش‌خدمتی‌ها باشند و طرف مذاکره تا چه

گزارش لوموند

یکی از رهبران اصلی مجاهدین خلق ایران (مسلمانان مترقی) آقای محمدرضا سعادتی به جرم "جاسوسی به نفع شوروی" روز شنبه به ۱۵ سال زندان محکوم شد...

سعادتی که به وسیله دادگاه انقلاب اسلامی محکوم شده است، بر طبق قانون اساسی امکان درخواست فرجام ندارد. مدرکی که نشان‌دهندی محکومیت او باشد، وجود نداشته است. و از طرف دیگر رهبر سازمان مجاهدین می - بایستی دفاع خودش را شخصا به عهده بگیرد. و کیل او یعنی آقای لاهیجی موفق به دریافت پرونده‌ی وی نشده بود آقای لاهیجی اظهار کرد که موانعی بر سر راه او قرار داده شده تا او نتواند در دادگاه شرکت کند، در صورتی که دادگاه رسماً ممنوعیتی برای شرکت او قائل نشده است. آقای لاهیجی که خیر محکومیت موکل خود را از طریق تلویزیون شنبه‌سب دریافت کرد به آژانس فرانس پرس چنین اظهار کرد که من با این محکومیت مخالف هستم و این محکومیت را عادلانه ندانسته، چرا که سعادتی هیچ گونه جنحه و جنایتی انجام نداده است. محکومیت سعادتی در تهران باعث جنب و جوش زیادی شده بود. شخصیت‌های زیادی منجمله همسر آیت‌اللذ طالبقانی به امام خمینی نامه نوشند و درخواست آزادی فوری سعادتی را کرده‌اند.

تکرانی بیسر آنجاست که در پایان دادگاه آقای موسوی درخواست دستگیری تمام کادر رهبری سازمان را کرده است. ۸۰ مبارز مجاهد اخیراً در خوزستان دستگیر شده و در آبادان در زندان به سر می‌برند بیست نفر دیگر دو هفتدی بیش در شیراز دستگیر شده و به سن مآدان دو سال زندان محکوم شدند. سه‌شنبه/۱۸/ نوامبر/۱۹۸۰ لوموند... بقید در صفحه ۱۵

تلگراف هابسدان به وزیر امور خارجه جمهوری

دموکراتیک خلق الجزایر

به دولت ایران بگوئید، تفتیقات علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را خاتمه دهد. (سعادتی، کمیته مرکزی) ای. جی. هابسدان ۲۱/ نوامبر/ ۱۹۸۰

تلگراف کمیته دفاع برای آزادی سعادتی

به سفرای لیبی، الجزایر و فلسطین در تهران

آقای سفیر: اجازه می‌خواهیم قدردانی خود را به خاطر کوشش فراوان شما و دولت مطبوعتان برای بدست آوردن آزادی محمدرضا سعادتی به عرض برسانیم. گرچه با کمال تأثر خبر ۱۵ سال محکومیت سعادتی را که به جرم "اخلال در روابط ایران و آمریکا" و اتهام واهی "جاسوسی برای شوروی" دستگیر شده بود، دریافت نمودیم، ولی این حکم خدش‌های به حقیقت امر که همانا میری بودن وی از اینگونه توطئه‌ها است، وارد نمی‌سازد. ما نیز چون شما شاهد تحولات جریانهای حاکم بر ایران و عملکردهای غیرانسانی دادگاه نسبت به مبارزات درخشان سعادتی و سازمان مجاهدین خلق ایران بوده و هستیم واز سالها قبل نیز پشتیبانی خود را از مبارزات ضدامپریالیستی خلق قهرمان ایران اعلام نموده‌ایم. ولی سکوت در برابر چنین حق‌کنشی آشکاری را ضرب‌های به تمامی مبارزات حق طلبانه‌ی خلقهای تحت ستم جهان و نیروهای انقلابی می‌دانیم.

کمیته‌ی دفاع برای آزادی سعادتی که از میان قریب ۵۰ گروه، انجمن، حزب، وکیل و عناصر و استادان مترقی و ضد امپریالیست جهان تشکیل یافته، ضمن تأکید بر وحدت ضد امپریالیستی تمام خلقها، و نیروهای مترقی و انقلابی جهان مصراً تقاضا نموده است که دولت مطبوع شما نقش فعال خویش را تا آزادی سعادتی ادامه دهد.

باتشکر کمیته دفاع برای آزادی سعادتی رو نوشت: به وزارت امور خارجه‌ی کشورهای لیبی، الجزایر و فلسطین. سفارتخانه‌های این کشورها در واشنگتن و تهران

تلگراف به وزیر امور خارجه جمهوری

دموکراتیک خلق الجزایر و

جمهوری عربی سوسیالیستی خلق لیبی

تکران اتفاقات ایران، قضیه‌ی سعادتی، بعقیب کمیته‌ی مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران، درخواست این که شما با دولت ایران صحبت کنید تا فشارهای سیاسی بر سازمان مجاهدین خلق ایران را خاتمه دهد.

باب رأیت - دبیر دوم اتحادیه‌ی ائتلاف کارگران مهدی‌ی وان - نول - سردبیر مجله‌ی جورنالیست / نوامبر/ ۱۹۸۰ لندن - انگلستان

اطلاعیه مرکز تحقیقات ضدامپریالیستی در رابطه با تعقیب رهبران مجاهدین و حکم دادگاه سعادتی

رضا سعادتی از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران به ۱۵ سال زندان محکوم شد. دادگاه ایران جرات کرده است در همان دادگاه‌هایی که شکنجه‌ی‌های ساواک و مسئولین کشتار ۱۹۷۸ را محاکمه کرده است، وی را که مبارزی بی‌چون و چرا علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا می‌باشد، محاکمه کند. کیفیت دستورالعمل و وضعیت جلسات گواه این مطلب است که وی را به خاطر عملی که انجام داده محاکمه نکرده‌اند و بلکه به خاطر فکری است که وی تبلیغ کرده است محکوم شده است. زمانی که برای دادگاه در نظر گرفته شده است، بیاگر این مطلب است که برای محافل حاکم بر دولت ایران مبارزه علیه اپوزیسیون مترقی مهمتر از همبستگی ملی در مقابل خطر امپریالیستی و حتی تجاوز خارجی می‌باشد. حکم بازداشت که همراه با محکومیت سعادتی علیه موسی خیابانی و محسن رضائی دو تن دیگر از رهبران مجاهدین صادر شده، نصویراسفانگیز چنین طرزفکری است.

مرکز تحقیقات ضدامپریالیستی (سی.دی.تی) همیشه در گذشته سرکوب و اسبیداد مشخصه‌ی دیکتاتوری شاه را محکوم کرده است و از کسانی که علیه آن اقدام کرده‌اند حمایت کرده است. (سی.دی.تی) از این که به دنبال کشتار مردم کرد و اعدام چند تن از فعالین گروه‌های مختلف چپ مقامات ایرانی امروز مستقیماً علیه یکی از مهمترین سازمان‌های اپوزیسیون اقدام می‌کنند، انزجار و نفرت عمیق خود را ابراز می‌دارد. چرا که از این طریق این مقامات ضربه‌ی شدید جدیدی به حقوق سیاسی مورد قبول قانون اساسی ایران و آرزوهای انقلابی که به دنبال سقوط رژیم شاهنشاهی در تمامی خلق ایران تولد یافته‌بود، وارد می‌آورند.

مرکز تحقیقات ضدامپریالیستی (سی.دی.تی) آدرس: ۱۴ خیابان نانتوی، پاریس ۷۵۰۱۵ تلفن ۵۱۳۴۳۳۸

تلگراف انجمن دانشجویان مسلمان - انگلستان

سفارت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر - تهران
سفارت جمهوری عربی سوسیالیستی خلق لیبی - تهران
سازمان آزاد بیخش فلسطین - تهران

به پیوست تلگراف قبلی (۱۵/ نوامبر) ضمن قدردانی از زحماتی که در خصوص برادر سعادتی منحل شدید، خواستار کوشش مجدد شما برای تماس با دولت جمهوری اسلامی با در نظر گرفتن روابط خوبی که دارید، جهت برداشتن تفتیقات وارده بر مجاهدین خلق که انقلاب را به خطر می‌اندازد، هستیم.

انجمن دانشجویان مسلمان - انگلستان
۱۹/ نوامبر/ ۱۹۸۰

از صفحه اول

گزارشات مستند در مورد شکنجه

(قسمت دوم)

در شماری گذشته نمونه‌هایی از ضرب و جرح و شکنجه‌های کوناگون بر اعضا و هواداران را بر شمردیم و در این شماره قسمت دیگری از این سلسله اعمال را که گویا قرار هم نیست کسی از مقامات مسئول بدانها توجه کند. به دنبال خواهیم آورد بدین خاطر که باعث افزایش هرچه بیشتر آگاهی خلقمان و رسوایی هرچه فزونتر مرتجعینی شود که متأسفانه و به دروغ پشت نام مقدس اسلام سنکر گرفته‌اند.

آخر چه کسی باور می‌کند که اینان در خط اسلام و امامان برحق آن باشند؟ در حالی که این مدعیان دروغین اسلام و انقلاب چه‌ها که نمی‌کنند. از بازداشت‌های طولانی غیرقانونی گرفته تا ضرب و شتم و شکنجه‌های چندین ساعته، از "تعهد گرفتن" برای عدم فعالیت سیاسی گرفته تا کوشش‌ها مابین برای سوءاستفاده تبلیغاتی از خانواده‌ی دستگیر شدگان بر علیه مجاهدین و در این راه حتی حرمت مادران ۶۰-۵۰ ساله و خواهران ۱۳ ساله را نیز ننگ نداشته و آنان را به جرم! اخلاص در نظم!! به نازیبا و شلاق می‌بندند. کاری که حتی مزدوران شاه در اوج وحشیگری خویش نیز از انجام آن ابا داشتند.

تمامی آنچه را که در شماری گذشته و نیز این شماره ذکر کرده‌ایم صرفاً نمونه‌هایی از یک جریان هستند و به اصطلاح مشتق از خورار. علیهذا اگر مقام مسئولی پیدا شود که حاضر به تحقیق در این زمینه باشد، ما حاضریم با تمامی اسناد و مدارک افراد شکنجه شده را برای ادای شهادت دعوت کنیم. همچنین در این جا یکبار دیگر از تمامی خواهران و برادران و هموطنانی که خود و یا آشنایانی از آنان مورد شکنجه و ضرب و جرح واقع شده‌اند، می‌خواهیم که اسناد شکایات و مدارک خود را برای ما بفرستند که آزادی صرفاً وقتی وجود دارد که از زور و زورکوبی و شکنجه خبری نباشد والا...

بند زندانیان سیاسی حمله برده و دسته جمعی ما را به زور کشانده و تک تکمان را به شدیدترین وجه شلاق زدند و آن چنان شکنجه کردند که تمام آثار آن بر تن ما باقی است. در هنگام شکنجه حاکم شرع قائمشهر (مدنی) و دادستان انقلاب ساری به اصطلاح حکم اسلامی و شرعی را می‌خواندند و جلادانی در لباس پاسدار و بعضاً با سر

پس از ۲۴ ساعت (طبق قانون اساسی) اعتراض کردیم از حاکم شرع قائم شهر خواستیم در زندان حضور یابد و به سوالات ما پاسخ گوید که به چه گناهی ما را دستگیر کردند؟ آیا کسانی که مورد تهاجم قرار گرفته، کشته و زخمی داده‌اند باید زندانی و محاکمه شوند یا مهاجمین متجاوز چماق بدست مسلح؟ چرا حتی برای یک

در حین دستگیری و انتقال به کمیته یا مرکز سیاه شدیداً مورد ضرب و جرح قرار گرفتیم بطوریکه یک نفر به تائید پزشک، بینی‌اش شکسته و دیگری سرو چانه‌اش شدیداً آسیب دیده است.
پس از انتقال به زندان ساری هنوز وارد نشده عده‌ای از ما از طرف پاسداری به نام کاکوئی به زیر مشت و لگد برده شدیم.

پنججده (به نامهای کاکوئی، رنجبر و باغی و...) با اصطلاح شکنجه‌ی شرعی را اجرا میکردند و بدین ترتیب بیش از ۵۰ نفر از زندانیان را به جرم هواداری از مجاهدین خلق شکنجه کردند و وقتی هواداران مجاهدین در زیر شکنجه شعار الله اکبر و لا اله الا الله و آیات قرآن سر می‌دادند این پاسداران دروغین انقلاب با پوینت و شلاق روی دهانشان می‌کوبیدند و شکنجه - شان را شدیدتر و بیشتر می‌کردند و می‌گفتند بگوئید لنین و... این است اسلامی که وعده نجات رهایی مردم را می‌دهد این کدام اسلام است که

نمونه یکی از آنان را دستگیر کرده‌اند؟ و... اما وقتی حاکم شرع تشریف آوردند! به جای پاسخ دادن به این سوالات و بدون اینکه حکمی مبنی بر روشن بودن اتهام ما ارائه دهد گفت: باید بازجویی شوید و در پاسخ یکی از برادران که از عدل حضرت علی (ع) به عنوان ملاک قضاوت اسلامی و انقلابی یاد می‌کرد و تضاد آن را با شیوه‌های ارتجاعی که ایشان اتخاذ کردند شرح می‌داد ضمن زدن یکی از برادران و توهین به جمع از آنجایی رود. و شب هنگام همان روز (سه شنبه) پاسداران مستقر در زندان وحشیانه به

فرزندان قهرمان خلق و پیشتازان اسلام انقلابی را اینچنین وحشیانه شکنجه می‌کند؟! اینان با اعطای شرم آور تنها به اسلام و حیثیت آن در سطح جهانی ضربه می‌زنند و بدون شک این اعمال بر ضد روح اسلام و قانون است. از مقام دادستانی کل کشور و ریاست جمهوری می‌خواهیم که اصول مصرح در قانون اساسی را اجرا کرده و نگذارید تا این حد مملکت و حقوق مشروع مردم بازیچه‌ی این مدعیان دروغین اسلام قرار گیرد و برای اثبات ادعای خود تقاضای فوری پزشک قانونی کرده‌ایم که طبیعی است نیابردن پزشک، دلیل صدق گفتار و ادعای ما است در ضمن برای مشاهده‌ی آثار این شکنجه‌ها و رسیدگی به وضع ما از مقام دادستانی کل کشور و ریاست جمهوری می‌خواهیم هرچه زودتر نماینده‌ای را به زندان ساری اعزام نمایند و در پایان همی ما علیه این شکنجه‌گران که با اسم در این نامه از آنها یاد کرده‌ایم اعلام جرم کرده و خواستار هرچه زودتر آزادی خود هستیم.

زندانیان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران در زندان ساری
۵۹/۷/۲
رونوشت: دفتر ریاست جمهوری و روزنامه انقلاب اسلامی.
بقیه در صفحه ۹

اعلام جرم ۵۱ تن از زندانیان سیاسی شکنجه شده در قائمشهر

دادستان محترم کل کشور: در شرایطی که میهن ما مورد تهاجم نیروهای امپریالیزم و وابستگانش در منطقه و رژیم مستبد حاکم بر عراق و نیروهای ضد انقلاب قرار دارد و نیاز مبرمی به وحدت تمام صفوف مردم در مقابل این تهاجمات

دخالت و حمایت علنی عناصر مسلح کمیته و پاسدار در قائم- شهر (روزهای ۲۹ و ۳۰/ شهریور) دستگیر و اکنون در زندان شهربانی ساری زندانی شده‌ایم در حین دستگیری و انتقال به کمیته یا مرکز سپاه شدیداً مورد ضرب و جرح قرار گرفتیم بطوریکه یک نفر با تائید پزشک بینی‌اش شکسته و دیگری سر و چانه‌اش شدیداً آسیب دیده است. پس از انتقال به زندان ساری هنوز وارد نشده‌ایم عده‌ای از ما از طرف پاسداری به نام کاکوئی به زیر مشت و لگد برده شده‌ایم تا به اصطلاح

در روز سه‌شنبه ۱/ مهر/ ۵۹ همه ما نسبت به ساعت اعتراض کردیم. شب همان روز پاسداران مستقر در زندان به بند زندانیان سیاسی حمله برده و سپس تک تک ما را به شدیدترین وجه شلاق زدند که تمام آثار آن بر تن ما باقی است. افرادی به نام های کاکوئی، رنجبر، باغی و... بعضاً سر خود را یوشانده بودند این به اصطلاح شکنجه‌ی شرعی را اجرا کردند

بیشتر احساس می‌شود ما بیش از ۵۰ تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق پس از مورد تهاجم قرار گرفتن، در خانه و کوچه و خیابان و محل کار از طرف نیروهای چماقدار و

- | | |
|--------------|--------------|
| ۱- اکبر زین | ۱۶- اکبر زین |
| ۲- محمد زین | ۱۷- محمد زین |
| ۳- علی زین | ۱۸- علی زین |
| ۴- حسن زین | ۱۹- حسن زین |
| ۵- حسین زین | ۲۰- حسین زین |
| ۶- احمد زین | ۲۱- احمد زین |
| ۷- محمد زین | ۲۲- محمد زین |
| ۸- علی زین | ۲۳- علی زین |
| ۹- حسن زین | ۲۴- حسن زین |
| ۱۰- حسین زین | ۲۵- حسین زین |
| ۱۱- احمد زین | ۲۶- احمد زین |
| ۱۲- محمد زین | ۲۷- محمد زین |
| ۱۳- علی زین | ۲۸- علی زین |
| ۱۴- حسن زین | ۲۹- حسن زین |
| ۱۵- حسین زین | ۳۰- حسین زین |
| ۱۶- احمد زین | ۳۱- احمد زین |
| ۱۷- محمد زین | ۳۲- محمد زین |
| ۱۸- علی زین | ۳۳- علی زین |
| ۱۹- حسن زین | ۳۴- حسن زین |
| ۲۰- حسین زین | ۳۵- حسین زین |
| ۲۱- احمد زین | ۳۶- احمد زین |
| ۲۲- محمد زین | ۳۷- محمد زین |
| ۲۳- علی زین | ۳۸- علی زین |
| ۲۴- حسن زین | ۳۹- حسن زین |
| ۲۵- حسین زین | ۴۰- حسین زین |
| ۲۶- احمد زین | ۴۱- احمد زین |
| ۲۷- محمد زین | ۴۲- محمد زین |
| ۲۸- علی زین | ۴۳- علی زین |
| ۲۹- حسن زین | ۴۴- حسن زین |
| ۳۰- حسین زین | ۴۵- حسین زین |
| ۳۱- احمد زین | ۴۶- احمد زین |
| ۳۲- محمد زین | ۴۷- محمد زین |
| ۳۳- علی زین | ۴۸- علی زین |
| ۳۴- حسن زین | ۴۹- حسن زین |
| ۳۵- حسین زین | ۵۰- حسین زین |

بقیة از صفحه ۸

گزارشات مستند در مورد شکنجه

۱۰۳ روز بیلت تکلیف در زندان

در تاریخ ۲۵ تیرماه ۵۹ برادری به نام علی اکبر برنجی فرزند شریات مجاهدین توسط ماموران کمیته مرکزی تبریز در خیابان عباسی این شهر دستگیر می شود. ۴۰ روز را با تحمل انواع و اقسام ضرب و جرح و شکنجه در کمیته می گذراند بطوریکه تا مدت ها از چرک خارج می شده، بعد از آن تحویل باصطلاح دادگاه انقلاب

داده می شود. بدون صدور حکم او را مدتی در زندان مجرد نکمیدارند و سرانجام بدون هیچگونه مجوز قانونی و بیلت تکلیف در تاریخ ۵/۸/۵۹ یعنی بعد از ۱۰۳ روز از زندان آزاد می شود. با نقل قسمتهائی از اعلام جرم این برادر از دادگاه انقلاب اسلامی! تبریز که به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس نوشته از آنچه که در این ۱۰۳ روز بر سرش آمده باخبر می شویم:

در تاریخ ۲۵ تیرماه ۵۹ بعلت فروش کتابهای سازمان مجاهدین خلق توسط پاسداران شورای مرکزی کمیته های تبریز بطور غیرقانونی در خیابان عباسی شهرستان تبریز دستگیر و ابتدائاً مدت ۴ روز در محل مرکزی کمیته ها که همراه با شکنجه و ضرب و شتم بود زندانی بودم در آنجا حتی بازجوی شورا در هنگام بازجویی مرا کتک می زد. بعد از ۴ روز مرا به دادگاه انقلاب اسلامی تبریز منتقل کردند. در همان لحظات اول ورود توسط افراد مستقر در دادگاه مورد فحش و تهمت و ناسزاگویی قرار گرفتم. از دماغ چرک و تا مدتی از گوشه های چرک و خون می آمد. در اثر رطوبت زندان مبتلا به کمردرد شدم که الان هم بعد از مدت ۱۰۳ روز عارضه اش در مورد گوش و گمرم باقی مانده است. حتی مرا تهدید به قتل می کردند. مثلاً یکی می گفت بعد از این شما را زندان نخواهیم آورد بلکه شما را به جاده اهر برده و در آنجا خواهیم کشت تا برای دیگران عبرت باشد.

بعد از ضرب و شتم ما را به زندان برده و به سلول مجرد انداختند. مدت ۶ روز در آن بند بودیم. در این بند زندانیان هوادار سازمان مجاهدین خلق را که در اثر شکنجه مریض شده بودند حتی به بهداری زندان هم نمی بردند. برای مثال رئیس زندان گفت: اگر اینها (هواداران مجاهدین خلق) در اینجا خواستند بمیرند هم به بهداری نبرید.

سیس مرا به بند محکومین بردند و این در حالی بود که هنوز بیلت تکلیف بودم. چندین بار به رئیس دادگاه نامه نوشتم و اعتراض کردم که ترتیب اثری داده نشد و چندین بار هم به مرکز نامه نوشتم ولی همه نامه ها را سانسور کردند. خلاصه بعد از مدت ۱۰۳ روز زندانی بدون هیچگونه مجوز قانونی و در عین حال بیلت تکلیف در تاریخ ۵۹/۸/۵ از زندان آزاد شدم...

در خاتمه این جریانات سئوالاتی برای من ایجاد کرده است که آیا روند این اعمال غیرانسانی و غیرقانونی در نهایتش تبدیل به شکنجه گاههای رژیم خونخوار پهلوی نمی شود؟ آیا در این موقعیت که رژیم دیکتاتوری بعث عراق کشور ما را مورد هجوم قرار داده و امپریالیسم امریکا در صدد بهره برداری از این جنگ است، این اعمال غیرانسانی خیانت به اسلام و انقلاب نیست اگر اینطور نیست به شکایت من رسیدگی فرمائید.

باتشکر علی اکبر برنجی
۵۹/۸/۱۳

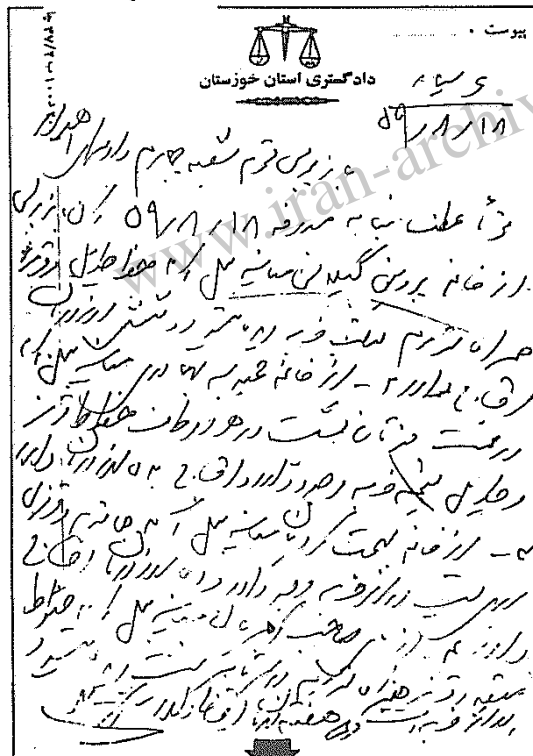
رونوشت به: دفتر ریاست جمهوری
شورای عالی قضائی
مطبوعات

واپسگرایان در بحبوحه ی جنگ هم از ضدیت و ضرب و شتم مجاهدین دست بر نمی دارند

بهدنبال تهاجم نظامی عراق اعضا و هواداران مجاهدین خلق بمنظور دفاع از مردم و میهن علاوه بر اعلام آمادگی برای اعزام به جبهه، در مناطق جنگی به فعالیت های امدادی و همچنین تشکیل تعاونی های گوناگون اقدام کردند. منجمله در درمانگاه حنیف نژاد اهواز به فعالیت های پزشکی و امدادی پرداختند. در تاریخ ۱۲ و ۱۳ مهرماه این درمانگاه برای چندمین بار مورد تهاجم افراد مسلح کمیته مسجد امام حسن واقع می گردد ۴ نفر از هواداران به نامهای صاحب اکبری، پروین گیلانی بهجت کردیان و محبوبه بهادری که در همین روز به درمانگاه مراجعه می کنند به وسیله

افراد مسلح کمیته ی مذکور دستگیر می شوند. آنها را به مسجد برده و ضمن ضرب و شتم همه ی آنان، برادر صاحب اکبری آن را به مدت ۱۴ ساعت با چشم بسته در توالت مسجد حبس می کنند و سپس به مرکز بسیج سپاه می برند. بعد از دو روز بازداشت و ۳۰ ضربه شلاق که علاوه بر مشت و لگد و نه فنداقهای قبلی بوده است در تاریکی شب این برادر و خواهران را آزاد می کنند در حالی که آثار شلاق بر بدن تمامی آنها باقی مانده بود.

در زیر گواهی پزشکی قانونی مبنی بر طول درمان و وجود آثار شلاق آورده می شود.



بازپرس محترم شعبه چهارم دادسرای اهواز محترماً عطف به نامه ی مورخ ۵۹/۸/۱۸ آن بازپرسی از خانم پروین گیلانی معاینه به عمل آمد خط طویل و قرمز همراه با تورم بعلت ضربه دیده می شود و شش روز درمان احتیاج دارد.

۲- از خانم محبوبه بهادری معاینه به عمل آمد. در سمت فوقانی پشت در هر دو طرف خطوط قرمز طویل شبیه ضربه وجود دارد و احتیاج به ده روز درمان دارد.

۳- از خانم بهجت کردیان معاینه بعمل آمد هماتوم و قرمزی روی پشت در اثر ضربه وجود دارد و ده روز درمان احتیاج دارد.

۴- از آقای صاحب اکبری معاینه بعمل آمد خطوط ممتد و قرمز همراه تورم در سرتاسر پشت دیده می شود. در اثر ضربه است و دو هفته درمان احتیاج دارد.

هشدار به تمامی مسئولین کشور

در شماره ی گذشته گفتیم و اکنون نیز تکرار می کنیم که اعتراض ما اساساً نه به خاطر خود بل به خاطر پاسداری از ارزشهایی است که خون هزاران شهید مجروح و اسیر وثیقه ی آن است. ارزشهایی از مکتب که مورد تهاجم واپسگرایان قرار گرفته است. اگر ما اعتراض می کنیم به خاطر جلوگیری از بازگشت روش های سرکوب شاهانه است.

گفتیم و باز هم می گوئیم راه های طولانی همیشه باگام های کوچک شروع شده است و اکنون شاهدیم که گام های حضرات در مسیر احیای دوباره روش های سرکوب چندان هم کوچک نیست.

بنابراین اگر امروز قوانین مملکتی و منجمله قانون اساسی توسط خود تدوین کنندگان و سینه چاکانش زیر پا گذاشته شود چه انتظاری از دیگران می توان داشت؟ و ضمناً چه تضمینی برای رعایت آن در آینده به وجود خواهد آمد؟ در یک کلام، به مسئولین مملکتی هشدار می دهیم:

هم اکنون گو این که خیلی هم دیر شده ولی شاید باز هم بتوان "سرچشمه" ی بی قانونی و شروع مجدد شکنجه را با افشاگری و موضع گیری قاطع گرفت ولی فردا، چو پرشد شاید گرفتن به !! و البته در آن صورت چنان حکومتی کمترین مشروعیتی در پیشگاه خلق و انقلابیون نخواهد داشت. فاعتمروا یا اولی الامر (ادامه دارد)

* بازجوی کمیته در هنگام بازجویی مرا کتک می زد.
* تا مدت ها از دماغ و گوشم چرک و خون بیرون می آمد.
* در اثر رطوبت زندان به کمر درد مبتلا شده ام و هم اکنون بعد گذشت ۱۰۳ روز آثار شکنجه ها در مورد گوش و کمرم باقی مانده است.

اعتراض گسترده بر علیه حکم ساواک مآبانه احضار رهبران مجاهدین

بقیه از صفحه ۷۷

گزارشی افشاگرانه از مجله آفریقا-آسیا در رابطه با محکومیت سعادت "شمشیر و ترازو"

جالب اینجاست که یک کمیته‌ی اسلامی به ریاست خود کاشانی رضا سعادت را به جرم جاسوسی دستگیر و پس از شکنجه زندانی می‌کند و کلیه عملیات به طور مخفی انجام می‌شود. مدارک غیرقابل انکارند اما رضاعادت محاکمه می‌شود. بدون اینکه وکیلش لاهیجی بتواند از او حمایت کند. کمیته‌ی اسلامی دود شد و به هوا رفت! قضات نیز از مردان آیت‌الله بهشتی که به مثابه‌ی ستون پنجمی در جهت خرابکاری بر علیه انقلاب و حمله به نیروهای فعال عمل می‌کنند، می‌باشند. هدف از محاکمه‌ی سعادت حمله به سازمان مجاهدین است. روزنامه‌های این سازمان ممنوع اعلام شده و به دفاتر حمله کرده‌اند و چندتن از هوادارانش در طی حملات فاشیستی کشته شده‌اند. به موازات آن حزب جمهوری اسلامی همه جا سانسور را برقرار می‌کند تا کلیه نیروهای اپوزیسیون را نابود سازد و حتی روزنامه‌ی رئیس جمهور منتخب، بنی‌صدر، انقلاب اسلامی را تهدید به ممنوعیت می‌کند. فراتر از سعادت آینده‌ی انقلاب مردمی ایران است که در خطر می‌باشد خصوصا که با استفاده از زیرگانه از مسئله‌ی کروگانهای دیپلمات یعنی جاسوسان آمریکایی و زیر لوای ضدامپریالیستی به نظر می‌رسد که مردان بهشتی در جهت برقراری رابطه با آمریکا عمل می‌کنند. آنها در واقع می‌دانند که برای استفاده از حمایت آمریکا باید سریع عمل کنند.

ده سال زندان. این حکمی است که بر علیه یکی از رهبران مجاهدین خلق (مسلمانان مترقی) سعادت، متهم به جاسوسی به نفع شوروی صادر شده. چرا که از طرف سازمانش ماموریت یافته بود با یک روزنامه‌نگار روسی تماس بگیرد و از وی در مورد ایرانیانی که وابسته به سیا و ساواک می‌باشند اطلاعاتی کسب کند. مجاهدین می‌خواستند خودشان در این مورد تحقیق کنند. و سعادت موقوف شد ثابت کند که شخصی به اسم ماشاءالله کاشانی که مذهبی است و به حزب جمهوری اسلامی آیت‌الله بهشتی نزدیک است برای سیا فعالیت‌های بخصوصی انجام می‌دهد. مدارک غیرقابل انکارند یک مدرک سری که در سفارت آمریکا پیدا شده، گواهی این مطلب است.

تلگراف فدراسیون متحد کارگران شیمی به وزارت دادگستری

رم-۱۵/نوامبر/۱۹۸۰
وزارت دادگستری- خیابان باب
همایون، تهران- ایران
از محاکمه‌ی رضا سعادت
عضو مجاهدین خلق مطلع شدیم
نگرانی عمیق خود را از دستگیری
غیرقانونی و برپا کردن محاکمه
بیان می‌کنیم. ما خواهان یک
محاکمه‌ی قانونی با تمام
ضمانت‌ها در دفاع و حمایت از
آزادی‌های شخصی و سازمان‌های
سیاسی که در انقلاب ایران
سهیم بودند، هستیم.
فدراسیون متحد کارگران شیمی

تلگراف انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا

تلگرام رم - ۲۰ نوامبر
۱۹۸۰
سفارت الجزایر - خیابان
مبارزان سفارت جمهوری
دموکراتیک خلق الجزایر،
تهران- ایران.
برادر عبدالکریم قرائب سفیر
جمهوری دموکراتیک خلق
الجزایر
از تلاش‌های مردمی شما
جهت برگزاری دادگاه
عادلانانه برای مجاهد اسیر
محمدرضا سعادت نهایت
تشکر را داریم و در انتظار
کوشش‌های انقلابی شما در
مورد آزادی برادر مجاهدان
و محکوم کردن حکم
ضدانقلابی دادگاه مبنی بر
دستگیری اعضاء کادر مرکزی
سازمان مجاهدین خلق
می‌باشیم.
انجمن دانشجویان مسلمان ایتالیا
رونوشت به: سفارت الجزایر
در رم
وزارت امور
خارجة الجزایر در الجزیره

اعتراض کمیته دفاع برای آزادی سعادت

دادستان کل مرکز، آقای لاجوردی
ما وکلای امضاءکننده‌ی زیر مشاهده می‌کنیم که محاکمه‌ی آقای سعادت علیرغم همه‌ی اعتراضات ما و بسیاری از شخصیت‌های دیگر در جهت به تنویق افتادن برگزار شد و تاریخ شروع آن برخلاف قول‌های رسمی در زمانی اعلام گردید که ناظران قضائی بین‌المللی امکان شرکت در آن را پیدا نکردند. ما یادآوری می‌کنیم که محاکمه در شرایط قضائی غیرقابل قبولی بدون شرکت وکیل متهم انجام شده و بدون وجود هیچ گونه مدرک صریح دال بر جاسوسی، آقای سعادت به ۱۰ سال زندان محکوم گشت. ما تاکید می‌کنیم که شرایط این دادگاه بطور ناگواری یادآورنده‌ی دادگاه‌های رژیم شاه می‌باشد که مجاهدین و مخالفین با رژیم دیکتاتوری در آنجا به محاکمه کشیده می‌شدند.
در واقع می‌دانیم که دادگاه آقای سعادت به همراه دستگیری گروهی از مجاهدین و حکم دستگیری آقایان خیابانی رضائی و رفیع‌نژاد همراه بوده و از طرف دیگر کیفرخواست تنظیم شده بر علیه آقای سعادت این تصور را بوجود می‌آورد که سازمانی که وی عضو آن است به محاکمه کشیده شده است.
ما معتقدیم که حکم صادره مخالف نص صریح قانون اساسی است که محاکمه‌ی اشخاص را به خاطر عقایدشان ممنوع کرده است. در نتیجه ما خواستار آزادی آقای سعادت می‌باشیم چرا که آزادی وی کمک خواهد کرد تا جلوی انحراف کشور به طرف سرکوب نیروهای انقلابی را بگیرد. انحرافی که اصول انقلاب را تهدید می‌کند.
کمیته وکلای برای دفاع از سعادت
وکلا: تدجان، مینیار، بوتن ولوکلرک
رونوشت به:
پاریس/۲۰/نوامبر/۱۹۸۰
آقای بنی‌صدر رئیس‌جمهور آقای رفسنجانی رئیس مجلس

ارتجاعی‌ترین روزنامه نیز حکم به برائت سعادت داد

دادگاه عدل حزبی خود فاتحه بخوانند. و چنین است که می‌بینیم علیرغم تمامی ادعاهای باصطلاح مکتبی "اسلامی" و "نه شرقی نه غربی" سردمداران دادگاه عدل حزبی، باز هم واقعیت جریان سعادت حتی از لابلای حرف‌های مدافعین این دادگاه تراوش می‌کند. البته چه بسا آقایان از دستشان در رفته باشد، که با دست خود بیش از پیش آبروی خود را می‌برند. گو اینکه افتضاح کارهایشان چنان بالا آمده که آبرو و اعتباری نمانده که با این چیزها از بین برود!
همانطور که در کلیشه‌ی روزنامه‌ی جمهوری می‌بینید شرایط آزادی سعادت! به هر در جریان دستگیری و محاکمه‌ی سعادت تلویحا به ما گفته بودند که سعادت گروگان است اگر بقیه مسائل حل شود، یعنی سرتسلیم بر آستان قدرت مداران و خلاصه حزب حاکم فرود آید جریان سعادت اصلا مسائلی نیست. این مساله را یکی از سران حزب و در حضور پدر طالقانی مطرح کرده بود. گو اینکه برای خود ما این مساله دقیقاً روشن بود و به این لحاظ اساساً دستگیری و محاکمه‌ی او را یک تصفیه حساب سیاسی و زمینه سازی سرکوب مجاهدین تلقی می‌کردیم و دادگاه شرع و... را پوش این مبارزه طلبی می‌دانستیم ولی فکر نمی‌کردیم که آنها خود چنین بی‌پروا بر

تلگراف سردبیر مجله جورنالیت - لندن به وزیر امور خارجه الجزایر

بکران اتفاقات ایران، قضیه‌ی سعادت، تعقیب کمیته‌ی مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران، درخواست این که شما با دولت ایران صحبت کنید تا فشارهای سیاسی بر سازمان مجاهدین خلق ایران را خاتمه دهد.
باب راییت - دبیر دوم اتحادیه‌ی ائتلاف کارگران مهندسی
وان - نول - سردبیر مجله‌ی جورنالیت
لندن - انگلستان
۲۱/نوامبر/۱۹۸۰

بقیه در صفحه ۱۵

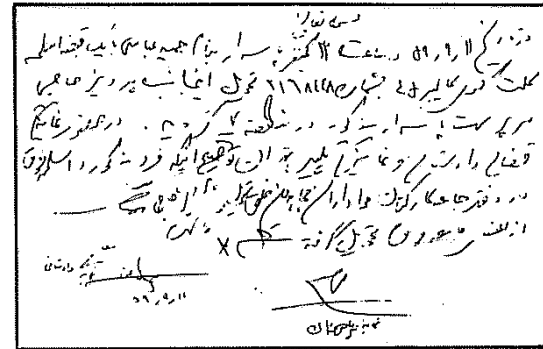
گزارشی کوتاه از تهاجم مسلحانه به دفتر جامعه کارکنان مسلمان در وضعیت قرمز

تهران در شب دوازدهم آذرماه مانند شب‌های دیگر همزمان با فرارسیدن شب در خاموشی و تاریکی فرو رفت. موزه‌ها و خیابان‌ها یکی پس از دیگری تعطیل می‌شدند و جمعیت کمی در رفت و آمد بود. ساکنین خانه‌ها نیز سعی داشتند کوچکترین نوری از خانه‌هایشان دیده نشود. در این شب بعد از مدت‌ها علاوه بر خاموشی همیشگی، وضعیت قرمز اعلام شده بود. و این مسئله بر احتیاط همگان افزوده بود. اما درست در لحظه‌ای که نظر همگان متوجهی جنگنده‌های عراق بود و خاطره‌ی بمباران چندی پیش متجاوزان عراقی را در یادها زنده می‌کرد "دفتر جامعه کارکنان مسلمان" واقع در خیابان مبارزان مورد تهاجم مسلحانه‌ی عده‌ای قرار می‌گیرد. در ابتداء تصور نمی‌رفت که در چنین شرایطی هنجیک از نهادهای رسمی و قانونی دست به چنین کاری زده باشند. ۵ نفر مهاجم مسلح از دیوارهای خانهای که دفتر کارکنان مسلمان در آنجا قرار دارد بالا آمده و با شیوه‌ای که انگشت تبحر "جیمزباند" های وطنی و غیروطنی را به گزیدن وامی داشت یکباره به وسط اتاق‌ها پریدند. و در حالیکه مرتب تیراندازی‌های ممتدی می‌کردند از ساکنین خانه خواستند که دست‌هایشان را بالا برده و تسلیم شوند. ساکنین خانه که در آغاز هويت مهاجمین را نمی‌شناختند برای چند لحظه‌ای

غافلگیر می‌شوند مهاجمین نیز در زیر رگبارهای هوایی خود دست به بازرسی اتاق‌ها و وسایل موجود در دفتر می‌زنند و به واقع نوع جدیدی از انواع بازرسی‌های معموله!! را ابداع می‌کنند. بازرسی بدون حکم، بدون مراجعه رسمی، در همان وضعیت قرمز وزیر رگبار و با خشونت و ضرب و شتم، این است نوع جدیدی از بازرسی!! که مهاجمین مسلح با زیرکانه اصلی آن بودند. در همین حال شلیک گلوله لحظه‌ای قطع نمی‌شد و محیطی سرشار از وحشت و رعب برای اهالی منطقه بوجود آمده بود. برادران ساکن در دفتر وقتی وضع را بدین منوال می‌بینند با فریاد الله اکبر به مهاجمین اعتراض کرده و به مقاومت می‌پردازند. مهاجمین که گویا انتظار مقاومتی را نداشتند بلافاصله در حالیکه تیراندازی می‌کردند شروع به فرار می‌کنند.

در این میان یکی از برادران نیز زخمی شده و یکی از مهاجمین که نتوانسته بود به موقع فرار کند، در حالیکه خود گامگاه شلیک می‌کرد، دستگیر می‌گردد و معلوم می‌شود که نام وی حمید عباسی از پاسداران منطقه ۷ می‌باشد. پس از مدت کوتاهی تمامی منطقه در محاصره گروه تازه‌ای از پاسداران وابسته به کمیته قرار می‌گیرد. برادران در ضمن تماس با مقامات مختلف و مسئول خواستار

رسیدگی فوری به مسئله می‌شوند و با سرپرست پاسداران مهاجم منطقه ۷ آقای پرویز حاجی و آقای سیدمحسن رضازادگان که سمت معاونت قضائی دادستان را به عهده داشت به مذاکره می‌پردازند و قرار می‌شود که طی صورت جلسه‌ای پاسدار مهاجم مسلح را تحویل آنان بدهند



بسمه تعالی
در تاریخ ۵۹/۹/۱۱ در ساعت ۲۲ یک نفر پاسدار به نام حمید عباسی با یک قبضه اسلحه‌ی کلت کمری کالیبر ۴۵ به شماره ۲۱۶۸۴۴۸ تحویل این جانب پرویز حاجی سرپرست پاسدار مذکور در منطقه ۷ گردید. در حضور نمایندگی قضایی دادستانی و نمایندگی پلیس تهران. توضیح این که فرد مذکور و اسلحه‌ی فوق در دفتر جامعه کارکنان هواداران مجاهدین خلق از اعضای فوق تحویل گرفته شد.
پرویز حاجی سرپرست نمایندگی پلیس تهران محسن رضازادگان نمایندگی دادستانی

اما آنان از امضاء کردن صورت جلسه به بهانه‌ی اینکه در آن پاسدار مهاجم با عنوان "مهاجم مسلح" نامبرده شده خودداری کرده و اظهار می‌دارند که شما می‌خواهید از ما مدرک بگیرید تا فردا در

برخورد گویا از ایفاء قضیه اطلاع نداشتند از برادر مجروح ما، پاسدار مزبور و آثار گلوله در ساختمان بازدید کرده و به اتفاق آقای محمدرضا میرزائی نماینده‌ی شهربانی و نماینده‌ی کمیته‌ی منطقه ۷ آقای پرویز

حاجی اقدام به حل قضیه می‌کنند. در این میان دو نکته بسیار مهم جلب توجه می‌کرد. اول حمایت همسایه‌ها و اهالی محل از برادران ما و دوم صدای متوالی تیراندازی پاسداران که در تمام لحظات به گوش می‌رسید. اهالی محل که از این اقدام خودسرانه و غیرانسانی وحشت زده شده بودند مرتب به پاسداران اعتراض کرده و خواستار قطع خشونت و تیراندازی بودند. عده‌ای نیز به حمایت از برادران، برخاسته و علیه مهاجمین شعار می‌دادند. یکی از برادران اظهار می‌داشت "من در آن لحظه به واقع معنی حمایت مردمی را درک کردم و در حالیکه زیر رگبار بودیم دلم می‌خواست همانجا فرصتی دست دهد و از همه‌ی اهالی و حمایت‌کنندگان تشکر کنم. هر چند که آنان نیازی به تشکر ما نداشته و ندارند" جالب اینکه اگر تاکنون نسبت به هويت مهاجمین اظهار بی‌اطلاعی می‌شد این بار موکداً "اصرار می‌شود که مهاجمین پاسدار کمیته هستند و بنابراین نباید آنها را "مهاجم مسلح" نامید. و این خود نشانگر بسیاری از مسائل است. در گذشته‌های نه چندان دور در موارد مشابه برادران و خواهرانی که مورد تعرض‌های این چنینی قرار می‌گرفتند همواره با این استدلال روبرو می‌شدند که مهاجمین را نمی‌شناسیم و حال با این استدلال روبرو هستیم که مهاجمین، پاسدار کمیته هستند و در هر دو صورت آمیدی به تعقیب و مجازات این قبیل قانون شکنان نیست. جای سوال است که حضرات که برای کوچکترین اعتراضی اجرای "حسد شرعی" را واجب می‌دانند و زیر این پوشش به شکنجه‌ی خواهران و برادران ما در این موارد نادیده می‌گیرند مگر نه این است که به هم زدن نظم عمومی، و نقض قانون اساسی، فراموش کردن وزیر پا گذاشتن شرایط جنگی آن هم در وضعیت قرمز نیز جرم محسوب می‌شود و در "خور تعزیر" است؟ آیا مرگ خوبست برای همسایه‌ها یا همه‌ی اینها سرپوشی است برای برخوردهای فاشیستی و واپسگرایانه با نیروهای انقلابی؟! انقلابی؟! انقلابی؟! انقلابی!؟

اعتراض به محاکمه فرمایشی همزمان مجاهد شهید احد عزیزی

حدود چند ماه پیش بود که در جریان حمله‌ی چاقوچران و عناصر مسلح به رهبری فردی به نام طاهر عصائی به دفتر انجمن جوانان مسلمان اردبیل مجاهد خلق احد عزیزی به شهادت رسید و عده‌ی زیادی از خواهران و برادران و هم چنین چند تن از مادران زخمی و مجروح شدند و نیز یکی از برادران کور شد.

البته طبق معمول مقامات مسئول و به ویژه دادستانی انقلاب! به جای تعقیب حمله کنندگان و عناصر چاقوچران اقدام به دستگیری اعضای انجمن نمودند و منجمه عده‌ای از خواهران و برادران را علیرغم اینکه با بدنهای زخمی در بیمارستان بسر می‌بردند با

زور و شکنجه و کشان کشان روانه زندان نمودند و اکنون پس از گذشت چند ماه از این جریان و درست چند هفته بعد از محاکمه غیرعادلانه و محکومیت مجاهد اسیر محمد رضا سعادت و به دنبال اطلاعاتی شاد و غلاظ به اصطلاح دادستانی انقلاب مبنی بر تعقیب مجاهدین، دادستانی انقلاب! تبریز اقدام به محاکمه ۲ تن از برادران دستگیر شده در جریان حمله به دفتر انجمن جوانان مسلمان اردبیل نموده، البته با هم طبق معمول، دادگاه وکیل متهم را نپذیرفته و حتی فرصتی هم برای این منظور قائل نشده است. و همچنین به هیچکدام از اعلام جرمهای خود و خانواده‌ی

متهمین هیچگونه ترتیب اثری نداده است... "انجمن جوانان مسلمان اردبیل" در رابطه با محاکمه غیرقانونی برادران خود اطلاعاتی صادر نموده است، که در آن بعد از اراغی گزارشی که مضمون آن در سطور فوق آمده است به این اقدام انحصارطلبانه و ارتجاعی که از طرف عناصر به اصطلاح اسلام پناه صورت گرفته، اعتراض نموده است در پایان این اطلاعیه چنین آمده است: "با توجه به نقض صریح قانون اساسی چه در جریان حمله و چه زندان کردن و اکنون محاکمه کردن برادران فوق که بطور مکرر از طرف آقایان اسلام پناه صورت گرفته از تمامی انجمن جوانان مسلمان اردبیل



نامه ۲۵ نفر از ...

از صفحه اول

۲۵ تن از شخصیت‌های مبارز ایرانی، در رابطه با مسائل موجود و فضای حاکم بر جامعه نامه‌ی سرگشاده‌ای به آقای رئیس جمهوری نوشته‌اند که مهم‌ترین بخش‌های آن را در زیر می‌خوانید:

به نام خدا

جناب آقای سید ابوالحسن بنی‌صدر ریاست جمهوری اسلامی ایران ... در آن روزها که هنوز حکومت اسلامی تشکیل نیافته و ملت ما گرفتار رژیم پرقساوت و سفاک پهلوی بود، رویای تحقق حکومت عدل اسلامی که در آن به حکم من قتل نفس بغیر نفس او فساد فی الارض فلکنا قتل الناس جمیعا، کشتن یک انسان بی‌گناه برابر کشتار همی انسان‌ها قزاق داده شده و حراست از حیثیات و کرامت انسانی وعده داده می‌شد، چه شوری در دل‌ها بر می‌انگیخت یا سخن علی (ع) بمناسبت خبر ربهوده شدن خلخال از پای یک زن یهودی در گوشه‌ای از قلمرو او که گفته بود: "اگر مسلمانی از این غم بمیرد جای دارد"، چه چشم‌انداز شورانگیزی از نظامی که به نام جمهوری اسلامی می‌رفت که برقرار شود، تصویری کرد

و اکنون پس از نزدیک دوسال که از تحقق آن نظام موعود می‌گذرد، چقدر در داور است که یکی از مسائل حاد جامعه‌ی ما فقدان منزلت و کرامت انسانی و امنیت قضائی و لگدمال شدن ابتدائی‌ترین ضوابط عدل و انصاف و حقوق فردی و اجتماعی باشد ...

نمونه‌هایی از قانون شکنی ویی عدالتی

۱-... اخیرا به حکم دادگاه شرع، سه تن از مخالفان سیاسی به دلیل پافشاری بر عقاید خود در آغاچاری و آبادان اعدام شده‌اند.

آیا اینست تلقی مسئولان قضائی کشور از عدالت علوی و شیوه‌ی برخورد با مخالفان سیاسی در یک نظام اسلامی، آیا وجود صدها نمونه‌ی دیگر از اعدام‌های بی‌رویه و بی‌مجاز که به حکم قرآن هر یک به مثابه کشتار تمامی انسان‌ها است، کافی نیست که مسئولان قضائی کشور و همی دست‌اندرکاران این جمهوری، به این جملی علی بیاندیشند، که "اگر مسلمانی از این غم‌ها بمیرد جای دارد؟"

۲- جنگ و کشتار در

را به درد آورد کم اهمیت تر است؟

۳- در این جمهوری اسلامی کمتر مورد بازداشت و محکومیتی است که با داغ و درفش و شکنجه همراه نباشد. این وضع با هیچ یک از موازین حقوقی و انسانی و شرعی قابل توجیه نیست و به هر شکلی که باشد به شدت محکوم است.

مگر مبارزه‌ی مردم با رژیم شاه از جمله به خاطر برانداختن همین فجایع و ستم‌ها نبود؟

۴- گروهی از مادران صرفا به دلیل مراجعه به زندان و اعتراض به دستگیری فرزندان‌شان به زشت‌ترین صورت مضروب و دستگیر شده و مدت‌ها بلا تکلیف در زندان به سر می‌برند آیا دستگیری ده‌ها نفر از نیروهای داوطلب شرکت در جبهه‌ی مقاومت، به دلیل تعلق‌شان به گروه‌های سیاسی در شهر آبادان و زندانی کردن‌شان و در معرض بمباران دشمن قرارداد نشان پاداش دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی است؟

داده‌ها نشان می‌دهد که محمدرضا ساداتی علی رغم احترامی که در ابتدا برای او در نظر گرفته شد، در نهایت به دلیل مخالفت با سیاست‌های رژیم پهلوی و مبارزه با رژیم پهلوی، در زندان محکوم گردید و در نهایت در جریان انقلاب کشته شد.

تسویه حساب حزب حاکم با مجاهدین از طریق محاکمه سعادتی و احضار کادر مرکزی سازمان

۵- کمتر کسی است که امروز از نقض صریح قانون اساسی و حقوق انسانی توسط دادگاه‌های شرع آگاهی نداشته باشد. این دادگاه‌ها با بی‌اعتنائی کامل به تمامی ضوابط حقوقی به صورتی خودگامه، سرمایه‌ی آبرو و حیثیت این جمهوری را به بازی گرفته‌اند. دادگاه آقای سید محمدرضا سعادتی علیرغم اعتراضات گسترده‌ی داخلی و بین‌المللی و در برابر چشم و توجیهی محافل جهانی، بدون دلیل قانع‌کننده‌ای، مشارالیه را به ده سال زندان محکوم کرد و با احضار و دستور

توقیف رهبری سازمان مجاهدین خلق، ماهیت واقعی محاکمه‌ی مذکور را که تسویه حساب حزب حاکم با یک گروه سیاسی بود، فاش کرد. حال اگر وضع دادگاه شرع نسبت به آقای سید محمدرضا سعادتی که تا آن حد مورد توجه و حساسیت جهان بود، چنین باشد، می‌توان کیفیت محاکمه‌ی هزاران متهم مظلوم و گمنام بی پناه و بی کس را که در گوشه و کنار کشور، روزانه به پای میز محاکمه کشیده می‌شوند حدس زد. آیا این است مفهوم عدالت اسلامی و عدل علی که هنوز متولیان دین به مردم، وعده می‌دهند.

۶- اخذی و رشوه‌گیری قضات شرع و حیث و میل بیت‌المال عمومی در نقاط مختلف کشور آن چنان بالا گرفته است که به تدریج از حالت استثنای محدود خارج می‌شود ...

۷- امروز ما با سرافکنده‌گی تمام می‌بینیم که تقریبا هیچ دفتر سیاسی سازمان یا گروهی جز حزب حاکم و گروه‌های وابسته بدان نیست که از این کار گروه‌های اخلاک‌گرو آشوب طلب و تحت حمایت مستقیم و یا غیرمستقیم نیروهای مسلح کمیته‌ها در امان مانده باشد

علاوه بر این امروز دیگر سخنرانی‌های مذهبی کسانی که به حزب حاکم منسوب نیستند، حتی اگر عمری به پاک‌ی و تقوی و مبارزه هم گذرانده باشند، از حملات سازمان یافتدی اوپاش اجیر شده، مصون نیستند. آخرین نمونه‌ی آن حمله‌ی وحشیانه به سخنرانی استاد محمدتقی شریعتی این پیر پاکدامن علم و دین که بسیاری از دولتمردان کنونی به شاگردی‌اش افتخار می‌کردند در روز عاشورای حسینی در مشهد بود ...

۸- جریان سازمان یافته تصفیه‌ی عقیدتی بر پایه‌ی تفتیش عقاید که از مدتی پیش تمامی سازمان‌ها و ادارات دولتی و بخصوص آموزش و پرورش را بی‌رحمانه فرا گرفته است و جامعه را از خدمت بهترین و صادق‌ترین نیروهای انسانی در این شرایط حساس بازسازی کشور محروم کرده‌است، اکنون به حوزه‌ی تعلیمه که برخورد آزاد عقاید و آراء سنت هزارساله‌ی آن بوده است نیز تعمیم یافته

و ما امروز شاهد خشن‌ترین نوع تصفیه در این مراکز علم و دین هستیم ...

۹- در مورد محدودیت آزادی بیان و قلم و دانش و فرهنگ چندان نیازی به پرداختن به جزئیات نیست

حاکمیت انحصاری یک جریان ویرانگر و اسفانگیز بر رادیو و تلویزیون را که بودجه عظیم و امواج رادیویی و تلویزیونی سراسر کشور را تیول منافع محدود و خیال‌بافانه‌ی خویش کرده‌است، خود بیش از ما آگاهید.

دانش و اندیشه هنر در تاریخ در هیچ زمانی تا این حد به رکود و کساد نیفتاده بوده و هیچ نظامی تا کنون مراکز علمی و دانشگاه‌ها را برای چنین مدت طولانی به تعطیل نکشاده بود ...

حمله‌ها و هجوم‌های پیاپی به آزادی بیان و قلم، وضع مطبوعات کشور را به انحطاطی وحشتناک سقوط داده است. نه زبان مطبوعات متعلق به جریان‌های سیاسی حاکم زبان انقلاب است و نه محتوای آنها و عجب نیست که غالب قلمزنان دوران نخستین انقلاب، به خاموشی کشانده شده‌اند. تا آنجا که اولین روزنامه‌ی که در جمهوری اسلامی امتیاز گرفت، به دلیل مخالفت حزب حاکم ممنوع‌الانتشار می‌شود، و سرنوشت مطبوعات ... این رکن عمده‌ی دموکراسی به دست چماقداران حرفه‌ای می‌افتد.

آیا آموزنده نیست که در طول یکسال و نیم گذشته هرچه تیراز روزنامه‌های بالا رفته خطر تعطیل یا ممنوعیت انتشار آن نیز افزایش یافته

ظاهر احمدزاده، فرشته خلاقی محمدرضا اسلامی، نصرالله اسماعیل‌زاده، محمداقبال، غلامحسین باقرزاده، یزدان حاج‌حمزه، سیدحسین حسینی معصومه حکیمی، بهرام خستو، خلیل‌الله رضائی، علی‌اصغر زهتابچی، محمدشانه‌چی، پوران شریعت‌رضوی، مهدی طارمی، همسر آیت‌الله طالقانی احمدعلی بابایی، مسعود کریمینیا، رویا کهریائی، جلال گنجی‌ای، محمد ملکی، مهدی ممکن، مرضیه مهربان شهابی، ابودرورداسی، فتحیه یزدی، رونوشت این نامه برای کلیه نمایندگان مجلس ارسال شده‌است

نگاهی به اخبار و رویدادها

زخم زبان مرتجعین، مصیبتی مضاعف برای آوارگان جنگ

حوانکهای فراری از جنگ بر پا می‌کند و بحای آنکه به فرمان امام در شهرشان و زادگاه خود بمانند و از اسلام و میهن دفاع کنند، هریک از این وطن‌فروشان بزدل راهی یکی از شهرستانهای کشور شده و با شاید پراکنی نقش ستون پنجم دشمن را بازی می‌کنند.

* کیهان (۷/۲۴) - ساد امنیب - استان چهارمحال و بختیاری با انتشار اطلاعاتی به مردم شهرهای این استان اخطار کرد که در صورت تخلیهی شهرها در دادگاه انقلاب زمان جنگ محاکمه می‌شوند.

* انقلاب اسلامی (۷/۲۵) - نمایندهی خرمشهر در مجلس: بر اثر جنگ عده‌ای از اهالی خوزستان مهاجرت کرده‌اند و من شنیده‌ام که در بعضی از شهرها به این مادران آزار می‌رسانند. من تقاضا دارم که با دیدن این‌ها به یاد مهاجرین و انصار بیفتید و به آنان آزار نرسانید. مهاجرین دودستاند یکدسته که از اول مایل به انقلاب نبودند و دسته‌ی دیگر که زنان و فرزندان خود را به شهرها آورده و خودشان در جبهه می‌جنگند.

* کیهان (۸/۱) - از اطلاعاتی دادستان انقلاب شیراز: مشاهدات عینی و گزارشات واصله حاکی است که برادران و خواهران جوان مهاجر از آبادان و سایر نقاط خصوصا ساکنین خوابگاه

دانشگاه موازین اسلامی و احکام شرعی را در روابط با یکدیگر و حجاب اسلامی در ملاعام را به هیچ‌وجه رعایت نمی‌کنند. برادران پاسدار و مامورین انتظامی در نهایت شدت و فاطمیت به موارد اعلامی نظارت و متخلفین را به دادرسی انقلاب معرفی نمایند.

* جمهوری اسلامی (۸/۱۵) - صبح دیروز گروهی از هواداران گروه‌های منحرف (ا) که پشت به جبهه‌های جنگ کرده بودند در جلوی اداره‌ی آموزش و پرورش فارس دست به تجمع زده و شعارهایی بر علیه دولت جمهوری اسلامی و شئونات اسلام می‌دادند که لافاصله بین مردم و این‌عده درگیری رخ داد و عده‌ای زخمی شدند و سیاه پاسداران برای کنترل اوضاع وارد معرکه شد و چون اوضاع بسیار متشنج بود، اقدام به شلیک تیرهوائی کرد. سا به گزارش روابط عمومی سیاه پاسداران شیراز تعدادی از محرکین اصلی این جریان دستگیر و تحویل دادگاه

انقلاب زمان جنگ شدند.

* (۸/۲۴) - عبدالحسین دستغیب طی یک سخنرانی در مورد خوزستانی‌های آواره از جنگ چنین گفت: " اینها حقشان بود. با آن همه خوشگذرانی و کشتی‌های مشروب این‌بلا باید بر سرشان می‌آمد. " * میزان (۹/۹) - استاندار اصفهان: مردان بیش از ۱۵ سال در اردوگاه‌ها (که برای آوارگان) پذیرفته نمی‌شوند و این بخاطر اینست که لازم است آن شهرها خالی نباشند.

* انقلاب اسلامی (۸/۱۳) - فخرالدین حجازی: واقفیت این است که آبادان در محاصره است. بیش از ده‌ها هزار نفر از مردم آبادان در بنیانه‌ها پراکنده‌اند و به سوی لرستان حرکت می‌کنند و شب‌ها از سرما می‌لرزند.

* میزان (۹/۶) - دکتر بهزاد نیا سرپرست هلال احمر: کسانی که از این میهمانان یا مسافران پذیرائی می‌کنند باید با مهربانی بیشتری با آنها روبرو شوند. تنها تهیهی غذا و

بوشاک آنها کافی نیست. مسأله‌ی که به هنگام سکای ایضا در شیراز و اصفهان پدید آمد، به خاطر اشاعه‌ی تبلیغاتی بود که از ناحیه‌ی ضد انقلاب رواج پیدا کرده بود. ضدانقلاب شایع کرده بود که اینها فراریان از جنگ هستند و نمی‌بایستی مورد پذیرایی قرار گیرند. خوشبختانه با اقداماتی که به عمل آمد، جو عوض شد و مهاجران در مساجد و خانه‌ها اسکان یافتند.

* میزان (۹/۱۵): استاندار کرمانشاهان: به کسانی که (آوارگانی که) به روستاها رفته‌اند، علاوه بر سه ماه مایحتاج عمومی و خوراک به هر خانواده برای هر ماه مبلغ سه هزار ریال جهت هزینه‌های متفرقه پرداخت شده است.

* انقلاب اسلامی (۹/۱۱): از کارنامه‌ی رئیس‌جمهور: ساعت ۷/۵ آقای میرسلیم آمد و از طرف وزارت کشور درباره‌ی آوارگان جنگ گزارش داد و گفت که به اتفاق هلال احمر مشغول ایجاد مراکزی برای

بقیه از صفحه ۱۶

از سخنان خود از وزارت کشور سوال کرد که در رابطه با آوارگان جنگی تا بحال چه کارهایی انجام شده است.

* جمهوری اسلامی (۹/۱۲): از نامه‌ی یک جنگ‌زده: ... این مردم مصیبت‌زده و آواره چون اسیران کوفه و شام در کوجه و بازار سرگردان که متأسفانه به واسطه‌ی بی‌مهری بعضی از هموطنان و بی‌تفاوتی بعضی از اولیا^۴ امور مورد ظمن و ناسزاگویی قرار گرفته و قلب جریحه‌دار آنها را بیشتر گداخته‌اند. ... اکثرا بی‌سربناه با عائله و فرزندان خردسال خود در کنار خیابانها، گوشه‌ی مساجد بدون کوچکترین لوازم زندگانی منتظر رحمت حق و عنایات امام امت و عواطف هموطنان می‌باشند. ... ناتوان و محتاج به کمک همه جانبه مخصوصا در رابطه با مسأله‌ی

سکن که واقعا در این سرمای سرد زمستان بصورت وحشتناکی درآمده است. ...

* کیهان (۹/۱۲): هم‌اکنون بر وجود میهماندار نزدیک به ۸۵ هزار آواره جنگ است. ... به خاطر آماده نبودن بروجد برای پذیرایی اینهمه مسافر، در بعضی مدارس غیرمغ هوای سرد، اغلب بر روی دوتر موتک و گاه حتی بر روی ورقه‌های کارتن نشسته‌اند. ... گاه حتی این آوارگان که در مدارس بروجد به خاطر نبود دیگر امکانات اسکان یافته‌اند چراغ کوچکی نیز برای گرم کردن خود ندارند.

۲- بازگو کردن حقانیت مواضع ما در جنگ فعلی البته همراه با بیان صادقانه‌ی علل جنگ!

۳- تشکیل هرچه سریع‌تر شوراهای واقعی (و نه فرمایشی) صنفی و محلی در شهر و روستا، کارخانه، مدرسه و ... در همه جا، که البته قبل از آن باید وحدت ضد امپریالیستی همه‌ی اقشار خلق تامین شده و به هرگونه تفرقه افکنی و انحصارطلبی و ... خاتمه داده شود.

۴- بهره‌گیری از انرژی، ابتکار و پتانسیل انقلابی این شوراها برای حل مسائل و مشکلات ناشی از جنگ و سپردن امر جیره‌بندی و قیمت‌گذاری و توزیع عادلانه‌ی کالا به دست این شوراها که ملازم قطع دست‌واستطه‌ها و محتکران خواهد بود.

با اجرای مراتب فوق آیا انتظار حداکثر کشش و حد اکثر ایثار و فداکاری از این خلق قهرمان توفیقی بیجا خواهد بود؟

۱- تشریح کامل وضعیت فعلی کشور به لحاظ اقتصادی، نظامی و ...

شیوه‌ی انقلابی

حل مسائل و مقابله‌با

کمبودها چگونه است؟

دلایل متعدد و آن این که در جایی که برای امور خیلی ضروری تر و حساس تر هیچ پیش‌بینی و برنامه‌ریزی قبلی وجود ندارد پیش‌بینی کمبود سوخت و تامین آن برای مدارس هم طبعاً وجود ندارد. و وقتی که وزیر آموزش و پرورش برومی به این آشکاری می‌گوید دیگر چگونه مردم بقیه‌ی ادعاهای دولت و از جمله کارنامه‌ی شورای انقلاب را که از جانب همین جناب ارائه شد باور می‌کنند؟

نه آقایان مردم را ابله تصور نکنید و چنین بی‌محابا به دورغ گفتن و انکار واقعیت - هایی که برای همه ملموس است نپردازید، عاقبت ندارد.

بقیه از صفحه ۴

بحران

"اعتماد عمومی"

خوش رکاب و بی اراده‌ای که هر وقت حضرات میل بفرمایند به خیابان بریزند و شعار بدهند و هیچ وقت توقع این را هم ندانسته باشند که از وقایع و رویدادها مطلع گردند!

حاصل این دو مولفه آن خواهد شد که از ابتکار و نیروی توده‌ها در رفع موانع و مشکلاتی که دقیقاً به اطلاع آنها می‌رسد استفاده می‌شود، کانال این مشارکت توده‌ای شوراها خلق هستند. اگر این دستور العمل را بخواهیم بر شرایط ویژه‌ی حاضر و مقابله با کمبودهای ناشی از جنگ (که مورد بحث این مقاله است) منطبق کنیم این رهنمودها از آن مشخص می‌شود:

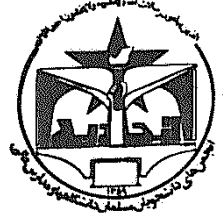
اما ببینیم یک رژیم انقلابی و سردمی چه شیوه‌ای را در برخورد با مردم و حل مسائل و مشکلات کشور به کار می‌برد:

اول این که عمیقاً باور دارد که توده‌ها مالک حقیقی انقلاب و بهترین و دلسوزترین ضامن بقای آن هستند، بنابراین این هیچ مشکل و مسأله‌ای نباید از آنان پنهان بماند. ثانیاً: باور دارد که مردم باید همیشه در صحنه‌ی سیاسی کشور حضور فعال داشته باشند (منتها نه آن چنان که سلطه‌گران و انحصارطلبان از حضور مردم می‌فهمند که عبارتست از سیاهی لشکرهای سیاسی مرکب از موجودات

پیام اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی بمناسبت ۱۶ آذر

۱۶ آذر روز همیشه تابناک دانشجو در مبارزات ضد استبدادی - ضد امپریالیستی خلق

بقیاد صفحه اول



به نام خدا

به نام شهدای بخون خفته‌ی خلق
هموطنان عزیز، دانشجویان
متعهد و انقلابی!

۱۶ آذر امسال، سالگرد
شهادت شهدای قهرمان جنبش
دانشجویی را در حالی گرامی
می‌داریم که دانشگاه این سنگر
خونین دانشجویان و قامت
استوار و فریادگر خلق، به
تعطیل گشاده شده و در سیطره
انحصارطلبی‌ها و واپس‌گرایی‌ها
قرار دارد. سنگری که به خاطر
خونفشانیه و جانبازیهای
فرزندان دلیر خلق، هیچگاه
نگسخت و سکوت و تسلیم را به جان
نخریده و تن به اسارت نداده
و برای دفاع از آرمانهای انقلابی
خلق و پیمودن راه شورانگیز
توده‌ها، قربانی‌های فراوانی را
به پیشگاه خدا و خلق تقدیم
نموده است.

در ۱۶ آذر، بیاد می‌آوریم
آن هنگام که در روزهای سیاه
پس از کودتای ننگین ۲۸
مرداد ۳۲ و ۴ ماه پس از آن
زمانی که نیکسون جنایتکار،
معاون رئیس‌جمهور وقت آمریکا
به ایران آمد تا نتیجه‌ی
توطئه‌های امپریالیست‌ها را در
این مین خونبار ارزیابی کند
جنبش دانشجویی در نقطه
عطفی انقلابی به خروش آمد
و در تظاهرات گسترده و
خونین، دانشجویان به نشانه
اعتراض به کودتای ننگین
امریکا بی‌و ورود آریاب جنایتکار
شاه خائن تمامی خشم و نفرت
خلق محروم و رنج‌دیده را بر
علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم
دست‌نشانده‌اش فریاد کردند.
این تظاهرات با سلاح‌های
امریکایی مزدوران شاه جلا داد
خون گشیده شد و خونهای پاک
دانشجویان شهید: بزرگ‌نیا،
قدچی، شریعت‌رضوی که در
این روز صحن دانشگاه را گلگون
ساخت جنبش دانشجویی را در
فرازی نوین قرار داد و به این

را پیگاه امپریالیسم! خواندند
و دانشجویان را که خود آقایان
به یمن مبارزات بی‌امان آنان و
سایر نیروهای انقلابی به مسند
و قدرت رسیدند. ستون پنجم
دشمن! معرفی کردند.
آنان زیر پوشش عوام‌فریبانه
"انقلاب فرهنگی" دانشگاهها
را به خون گشیدند و یکبار دیگر
در حالی که هنوز خونهای
پاک دانشجویان بر در و دیوار
و سنگفرش دانشگاهها باقی بود
دانشگاهها را صحنه تاخت و
تاز سلحبدستان و چماق‌داران
خود کردند.
و به این ترتیب درهائی که
توسط دست‌های توانای مردم گشوده
شده بود در نظام جمهوری
اسلامی! به روی دانشجویان
بسته شد. آثار و عواقب زیانبار
چنین عملکرد واپسگرایانه‌ی،
همچنان که از آغاز قابل پیش
بینی بود، جز محروم کردن
انقلاب از سنگر استوار آزادی
و مبارزه علیه امپریالیسم و
پراگندگی و سرگردانی هزاران
دانشجو و استاد و... نبوده
است. زیانها و خسارات جبران
ناپذیر مادی و معنوی دیگری
نیز که از تعطیل دانشگاهها
بوجود آمده است بر هیچ نیروی
آگاه و دلسوز انقلاب پوشیده
نیست. از اینروست که با
چنین برخوردی که با دانشگاهها
شد و تمامی عملکردهای
انحصارطلبانه و تنگ‌نظرانه‌ی
که در این مدت بر علیه دانشگاه
و دانشجو بعمل آوردند کمترین
مشروعیت و حقایقی برای
انقلاب فرهنگی ادعایی ایثان
باقی نگذاشته است.
هرچند که آنان دانشگاهها
را بستند اما جنبش دانشجویی
در بتن جنبش انقلابی خلق،
استوار و تسخیرناپذیر در راه
دفاع از دستاوردهای خونین
انقلاب و حراست از آزادیهای
انقلابی و افشای نقشه‌ها و
توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی
گام برمی‌دارد.
انجمن‌های دانشجویان
مسلمان دانشگاهها و مدارس
عالی که در دو سال پرقراز و
نشیب پس از انقلاب به عنوان
ادامه دهندگان راستین جنبش
دانشجویی، رسالت خونبار
این جنبش را با موضوعگیریهای
اصولی و واقع‌گرایانه‌ی خود به
دوش کشیده‌اند اکنون در طلایه
دومین شانزدهم آذر، پس از
سرتنگونی رژیم شاه با بزرگداشت
خونهای پاک جنبش دانشجویی

و همه شهدای گلگون کفن
خلق و برای ادامه‌ی هرچه پر
شتاب‌تر مبارزه‌ی ضد امپریالیستی
تشکیلات دانشجویی خود را که
در شهریور ماه به "اتحادیه‌ی
انجمنهای دانشجویان مسلمان
دانشگاهها و مدارس عالی"
ارتقاء داده بودند، اعلام
می‌دارند.
با ایمان به اینکه در شرایط
حساس کنونی که انقلاب و
میهن ما در معرض خطرناکترین
توطئه‌ها و نقشه‌های امپریالیستی
و تجاوزگرانه و ارتجاعی است و
آزادیهای انقلابی، به بند
کشیده می‌شود و در شرایطی که
از یک طرف فشار و اختناق بر

روی نیروهای انقلابی و ضد
امپریالیست افزایش فوق‌العاده
یافته و از سوی دیگر حرکت‌های
مشکوک به سمت سازش با غرب
انجام می‌شود استحکام و انسجام
درونی کلیه‌ی نیروهای انقلابی
قادر است تمامی این توطئه‌ها
را خنثی نموده تا در راه
آرمانهای انقلابی، گام‌های
موثرتری بردارند.
با امید پیروزی خلق
سلام بر دانشگاه‌ها و مدارس عالی
مرکز امپریالیسم آمریکا
اتحادیه انجمنهای دانشجویان
مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی
۱۶ آذر/۱۳۵۹

مراسم بزرگداشت روز دانشجو بر مزار شهدای ۱۶ آذر

از ظهر با تلاوت آیاتی چند از
قرآن آغاز گردید و سپس
احسان شریعتی طی سخنانی
پیام کانون ابلاغ اندیشه‌های
شریعتی را قرائت کرد. آنگاه
برویز خرسند، دکتر ملکی،
منصور فرهنگ، و دکتر تکمیل
همایون به ترتیب طی سخنانی
ضمن تجلیل از شهدای ۱۶ آذر
و مبارزات جنبش دانشجویی،
جریان به اصطلاح انقلاب
فرهنگی و تعطیلی دانشگاهها را
شدیداً مورد انتقاد قرار دادند
در این مراسم هم‌چنین پدر
رضائی‌های شهید و نیز نماینده‌ی
اتحادیه انجمن‌های دانشجویان
مسلمان دانشگاهها و مدارس
عالی پیام‌هایی به مناسبت
سالگرد شهادت شهدای ۱۶
آذر قرائت کردند.
آخرین سخنران مراسم
یکی از اعضای خانواده‌ی شهید
شریعت رضوی بود که به
نمایندگی از طرف خانواده‌ی
شهدای ۱۶ آذر ضمن تجلیل از
شهدای ۱۶ آذر به مراسمی که
در این روز در دانشگاه به
مناسبت این روز برگزار گردیده
اشاره کرده و اظهار داشت که ما
این مراسم بدون این که با ما
تماسی گرفته شود و ما از آن
اطلاعی داشته باشیم برگزار
گردید.
مراسم در ساعت ۴ بعد از
ظهر به پایان رسید.

بقیة از صفحہ ۴

نگاهی به گذشته

چنین نیروهای انقلابی را که صداقت و اصالت ضد امپریالیستی خود را در صحنه سال‌ها مبارزات انقلابی خونبار به ثبوت رسانده‌اند تحت انواع فشارها و تضحیقات و در معرض دستگیری و تعقیب و پی‌گرد قرار نمی‌دهد و هیچ نیروی ضد امپریالیست که ریشه و پایهی اجتماعی داشته و از دینامیسم و استعداد رشد و پیشرفت برخوردار بوده و خلاصه آینده داشته باشد هیچ‌کس احتیاجی به این چنین ضدیت با "آزادی" ندارد. آری این قبیل سیاست‌هاست که میهن ما را به اوضاع و احوال امروزی گشاده است و بدیهی است که قدرت‌مداران و دست اندرکاران امور راه حل مسائل کنونی را نیز نه در تغییر بنیادی این سیاست‌ها (که امید آن نمی‌رود) بلکه در ادامه همین سیاست‌ها جستجو کنند و منجمله فشار را بر نیروهای انقلابی بیشتر کرده و یا مثلا با تصفیه‌های بیشتر درونی و یا با دستاویز قرار دادن و علم کردن مهره‌ها و جریانات ظاهرالصلاح و سیاست "از این ستون به آن ستون" در مدد تحکیم هرچه بیشتر قدرت انحصاری خود برآیند نه

درورای هرگونه ادعا و شعار و تبلیغات، چگونگی برخورد یک رژیم با نیروهای انقلابی مهم‌ترین اصالت سنج مشروعیت و ترقی خواهی آن رژیم است

تنها هیچ مشکلی از آنان حل نخواهد شد بلکه بار زیادی بر مشکلات کنونی خواهد افزود. البته هر اقدام حساب شده‌ای ممکن است برای مدتی جهت در آمدن از تنگناها مورد بهره‌برداری قرار گرفته و عاقلانه موثر نیز باشد اما اگر چنانچه اقدامی از بنیاد مردمی و بر اساس انگیزه‌های سالم انقلابی نبوده و از شائبه‌های مکرر و توطئه خالی نباشد عواقب آن سرانجام دامن طراحان آن را خواهد گرفت و به قول قرآن "... و لا یحیی المکر السینی الا باهلہ". تنها مطلبی که می‌ماند بها و توانی است که باید برای این قبیل حرکات و سیاست‌ها و مسائل و مشکلات و نابسامانی‌ها و درگیری‌های حاصل از آن‌ها پرداخته شود که بار آن نیز طبق معمول و متاسفانه بر دوش توده‌های ستمکشیده‌ی مردم سنگینی خواهد نمود، و چه‌رهی پرداخته‌ای که بدین وسیله از منکب و تین‌پاگوانقلابی اسلام تصویر خواهد شد.

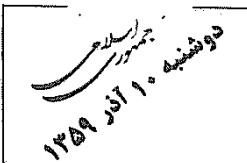
ما بر اساس سابق‌ها حضور فعال در صحنه‌ی خون‌بار انقلاب میهن‌مان و هم چنین بر اساس وفاداری به آرمان‌های توحیدی و انقلابی مجاهدین خلق نسبت به سرنوشت این مردم و آینده‌ی این انقلاب لازم دیدیم تا شرایط حساس و خطیر این مرحله را مستقیما با مردم در میان‌بگذاریم. به گمان ما این توده‌های مردم بودند که تمام رنج و بار این انقلاب را تحمل کردند و این توده‌ی مردم هستند که باید یا آگاهی نسبت به سرنوشت و آینده‌ی انقلاب و خطراتی که آن را تهدید می‌کند، از انقلاب رهایی بخش خود و دست‌آورده‌های آن پاسداری کنند. بدیهی است که در این میان عناصر و نیروهای آگاه و متعهد، آن‌ها که هر زمان به شکلی در نیامده و در جهت ورزش باد قرار نمی‌گیرند، در این شرایط حساس مسئولیت خطیری به عهده دارند. لذا از تمام شریف ایران، از نیروها و شخصیت‌های آزادی‌خواه و انقلابی و از تمام کسانی که در ورای منافع فردی و گروهی، به پیروزی انقلاب رهایی بخش ضد امپریالیستی خلق‌مان می‌اندیشند می‌خواهیم که در مقابل قدرت‌طلبی‌ها، انحصارطلبی‌ها و برای پیش‌برد انقلاب ضد امپریالیستی‌مان، در پرتو کسب و حفظ آزادی‌های انقلابی لحظه‌ای دست از مقاومت و ایستادگی برنداشته و فریاد اعتراض خود را بر علیه هر نوع سیاست و روش که در دو سال گذشته انقلاب ما را، به نقطه‌ی کنونی رسانده است بلند کنند.

بدیهی است که ما نیز مصممیم که علی‌رغم تمامی تضحیقات و فشارها برای کسب و حفظ آزادی‌های انقلابی و پیمودن راه رهایی این خلق از چنگال امپریالیسم آمریکا هر بهائی را که لازم باشد بپیرازیم.

بقیة از صفحہ ۱۰

ارتجاعی ترین روزنامه نیز...

سیاسگویی در پیشگاه آریامهر نگردند امروز نیز از گفتن کلمه حق پرهیز نخواهند کرد، هر چند که این حق گویی و حق طلبی قربانیان و شهدا و اسرای باز هم بیشتری را طلب نماید و صدالبته که خلق بالاخره پیروز و آزاد خواهد شد.



شرط برای آزادی جاسوسان آمریکائی شرط برای آزادی جاسوسان روسیه

در حالیکه مجلس تصدیق اعلامیه خوشرو می‌کند و باره جاسوسهای آمریکائی سازای مافوق خود را در سوتولیت و مطبق خود در حکم اعلامیه داده می‌دهد تاکنهنه روزی دیوارها سوراخها...

ما هم همیشه به محاکمه مساندی و حرف راست نشناختن است پس خودتان تا خود آگاه مقابله‌ای کرده‌اید بین دو نوع جاسوس... جاسوس آمریکائی و جاسوس روسی... حالا می‌خواهید با یک مقایسه بکنید...

۱- بارگران تمام اموال عبارت شده دولت جمهوری اسلامی ایران که بعضی از آنها عبارتند از: هموزن و تروفیا و ارشاهی مسروبه بنیاد پهلوی... ۲- بارگران تمام اموال و اسباب شخصی و دولتی... ۳- بارگران تمام اموال و اسباب شخصی و دولتی... ۴- بارگران تمام اموال و اسباب شخصی و دولتی...

۱- تعهد به اینکه دیگر از این سنده مسودتهای مختلفه در گزاره های خیابانها و مساجد دیگر به جاسوسی بیفزاید.

۲- تعهد به اینکه دیگر عدای از بهائی که سن و سال و رنگش را بگوید و آنها را چون پل کاردهای خیابانی بشمارد.

۳- تغییر بنیاد در روشها و شایسته‌های خود اسلام و رنگش به اسلام.

۴- تعهد برای هر کس خط نفاق و حرکت در خط غلوئانه به شرق و عرب.

هشدار مجاهدین خلق ایران

درباره زمینه سازی توطئه بر علیه مجاهدین و انتشار گزارش خبری مزورانه از قول سخنگوی دانشگاه علم و صنعت

بدنام خدا

بدنام خلق قهرمان ایران

هموطنان آگاه و مبارزان!

خبرگزاری پارس در تاریخ ۱۰ آذر به نقل از سخنگوی دانشگاه علم و صنعت خبری مبنی بر سوء قصد رئیس این دانشگاه انتشار داده است. این سخنگو ذیل خبر مزبور که تقریبا در تمامی مطبوعات نیز منعکس گردید، اضافه کرده است که: "دکتر اسرافیلیان در چند روز گذشته طی مصاحبه‌ی مشروحی فاش کرده بود که خوابگاه دختران علم و صنعت به صورت یک پایگاه نظامی و خانگی تیمی برای اعضای "مجاهدین خلق" و دیگر گروههای سیاسی درآمده بود و از این خوابگاه یک کلت، مقدار زیادی فشنگ ۳-تیربار و دیگر وسایل اسلحه‌ی گرم بدست آمده‌است."

اگرچه ما هنوز از صحت و سقم و چگونگی ماجرای مزبور اطلاع درستی نداریم، اما نوحه‌ی انتشار این خبر و عبارتی که ذیل آن آمده است، حاکی از توطئه‌ی کثیف دیگری است که از سوی محافل و جریانات ارتجاعی و انحصارطلب بر علیه مجاهدین طرح‌ریزی شده است، که در این راه از سلطه و نفوذ خود به سازمان خبرگزاری پارس نیز سوء استفاده نمودند.

البته برغم مقاصد عوام‌فریبانه‌ی که در نوحه‌ی انتشار این خبر بکار رفته و گوششی که برای انتساب تلویحی سوء قصد مزبور به مجاهدین صورت گرفته است، برای مردم ایران کاملا واضح است که واکنشهایی از این قبیل هرگز مورد تأیید مجاهدین نبوده و بارها از جانب ما مردود اعلام شده است.

همچنین بدیهی است که ادعاها و اتهامات رئیس دانشگاه علم و صنعت که چندی قبل به مجاهدین و دانشجویان هوادار ما نسبت داده است، در شمار سایر اکاذیبی است که محافل انحصارطلب و ایادی آنان پیوسته بر علیه مجاهدین عنوان کرده و می‌کنند و از این لحاظ حتی نیازمند تکذیب هم نمی‌باشد.

هموطنان عزیز!

در رابطه با انتشار توطئه‌آمیز خبر مزبور لازم است بد مردم قهرمان ایران یادآور شویم که همچنانکه تجارب یکساله‌ی اخیر نشان داده است، جریان انحصارطلب حاکم هرگاه عرصه را به خود تنگ دیده و در برابر موج آگاهی و اعتراض مردم قرار می‌گیرد، بلافاصله بد ترتیبی مجاهدین را مورد حمله قرار داده و می‌کوشد تا به اصطلاح کاسه و کوزه مسائل را بر سر مجاهدین خراب نماید. بنابراین چه بسا که نوحه‌ی انتشار خبر مزبور در اوضاع و احوال کنونی خود مقدمه‌ای برای جوسازی بر علیه مجاهدین و فراهم کردن زمیندی تثبیت به شیوه‌ی معهود به اصطلاح "دراز نمودن مجاهدین" باشد.

البته لازم است به آقایان دست‌اندرکار این توطئه‌ها خاطر نشان کنیم که اکنون مردم به بسیاری از مسائل واقف شده و آگاهی توده‌ها نسبت به نادرستی‌ها و خلافکاریهای آقایان آنقدر زیاد است که بنظر نمی‌رسد، تثبیت بد اینگونه شایدها بتواند موجب نجات آنان گردد. تاریخ و تجارب انبوه اجتماعی نیز ثابت کرده است که شیوه‌های عوام‌فریبی و ریاکاری حتی اگر هم در کوتاه مدت بتواند بر حقایق سربوشت گذارد، در درازمدت لاجرم کارایی خود را از دست داده و حقیقت برای توده‌های مردم آشکار خواهد گشت.

در پایان از خبرگزاری پارس بد عنوان ناشر گزارش خسر مزورانه‌ی فوق‌الذکر و تمامی مطبوعاتی که به درج آن مبادرت ورزیده‌اند، می‌خواهیم که برابر قوانین مطبوعاتی متن اطلاعیی حاضر را نیز منتشر نمایند.

مجاهدین خلق ایران
۵۹/آذر/۱۱

نگاهی به اخبار و رویدادها

زخم زبان مرتجعین، مصیبتی مضاعف برای آوارگان جنگ

جنگ ایران و عراق نیز همانند تمام مسائل مبتلا به ایران - چه داخلی و چه خارجی - در بیست و دو ماه اخیر، صحنه دیگری از آزمایش شیوه‌های حکومتی مرتجعین بود. تجاوز عراق به ایران، عوارض سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی بسیاری بدنبال داشت. یکی از بارزترین آثار اجتماعی این جنگ، آواره شدن قریب به یک میلیون نفر از هموطنان ستمکشیده‌ی ما در مناطق جنگی است که خانه و گاشانه‌ی خود را از دست داده و روانه‌ی مناطق مرکزی‌تر شده‌اند.

این آوارگان - به شهادت روزنامه‌ها و گزارشات مستند از ابتدائی‌ترین امکانات زندگی هم برخوردار نیستند. حتی در بسیاری از موارد از آب، غذا، سرپناه، پزشک و... خبری نیست و به قول یکی از نمایندگان مجلس "در بیابانها پراکنده‌اند و شبها از سرما می‌لرزند" گزارشی که روزنامه‌ی انقلاب اسلامی ۱۳ آبان از وضع این هموطنان عزیزمان می‌دهد، آنچنان رقت‌آور است که انسان را به گریه می‌اندازد این گزارش می‌گوید در شادگان حدود ۱۰۰ هزار نفر آواره وجود دارد در حالیکه جمعیت خود شادگان از این میزان به مراتب کمتر است. تعداد کمی از جنگ‌زدگان در مدرسه‌ها و... سگتی داده شده‌اند و سایرین اکثر در میادین و خیابان‌ها پسر می‌برند و حتی توالفت برای جنگ‌زده‌ها نیست.

بالتبع در یک برخورد انقلابی حق این بود که به موازات پرداختن به جنگ و... به سروسامان دادن این آوارگان از طریق اتخاذ سیاستهای متمرکز دولتی و همکاریهای اجتماعی از جمله ایجاد اردوگاههایی منظم، توزیع متعادل جنگ‌زدگان در سطح کشور متناسب با قدرت پذیرش، آب و هوا و... استفاده از تخصصها و امکانات خود آنها، سازماندهی صحیح گمگهای بیدریغ و گسترده‌ی مردم (که الان معلوم نیست به چه سرنوشتی دچار می‌گردد) و... پرداخته شود. لیکن متأسفانه نه تنها چنین نشد، بلکه در بالای منابر و تریبونهای نماز جمعه و... آنها را ضدانقلاب و فراریان از جنگ و وطن‌فروشان بزدل و... نامیدند. و در حالی که در آبادان و خرمشهر فقط عده‌ی قلیلی از مردم (آن هم عمدتاً جنگجویان) باقی نمانده‌اند امام جمعی تهران ادعا می‌کنند که اقلیتی اعیان نشین و مرفه شهر را ترک کرده‌اند. چنانچه اینجاست که چند هفته بعد ایشان می‌گویند اگر مردم (حتماً همان اقلیت اعیان نشین!!) شهرها را ترک نمی‌کردند (قصر شیرین - خرمشهر و... دشمن نمی‌توانست آنجا را تصرف کند. و همی این حرفها در حالیکه حضرات دست‌اندرکار نه تنها تلاشی در جهت مسلح کردن مردم و سازماندهی آنها برای مقاومت مسلحانه ننموده‌اند، بلکه با انواع و اقسام توطئه‌ها از فعالیت نیروهای انقلابی در جهت بسیج مقاومت مردمی مانعت بعمل آوردند. بواقع بجای اینکه آنها در مقابل مردم شرمند و خجل باشند از اینکه نتوانسته‌اند خانه و گاشانه‌شان را از تهاجم دشمن محفوظ نگاهدارند، چیزی هم از مردم طلبکار شده و می‌خواهند بدین‌گونه سربوشتی برناگامیهای نظامی خود بگذارند.

در این میان ذکاوت! آقای دادستان انقلاب شیراز هم قابل توجه است که گویا تمام مسائل هموطنان ستمکشیده‌مان را حل کرده‌اند و تنها مسئله‌ی حجابشان باقی مانده که آنهم با اخطار شدید ایشان حل خواهد شد. این زخم‌زبانها که همچون نمک بر زخم آوارگان پاشیده می‌شد، خود مصیبتی افزون بر اوضاع سخت معیشتی آنها را

آخرین آمار زندانیان مجاهد

شهر	تعداد	سبزوار	۵
آمل	۱۰۰	سلما	۱
آبادان	۶۷	سعدآباد دشتستان	۲
آغاچاری	۱	شاهرود	۱
آستارا	۴	شوشتر	۲
اراک	۲	شبستر	۱
اهر	۱	شیراز	۴۰
اندیمشک	۲	صومعه‌سرا	۱۸
اردبیل	۱۳	فسا	۱
اهواز	۲۷	فیروزآباد	۲
اصطهبانات	۱	قائمشهر	۳۱
ایرانشهر	۱	کرج	۲
بجنورد	۱۵	کرمان	۱
بابل و بابلسر	۴۶	کناوه	۱
بندرلنگه	۲	گرگان	۴
بندرعباس	۳	گرگر	۴
بوشهر	۳	گناباد	۱
بهبهان	۲	لار	۱
بrazجان	۲	لاهیجان	۷
بناب	۱۱	لنگرود	۳
تهران	۱۶۷	ماکو	۱
تبریز	۱۱	مشهد	۵
چهرم	۲	مسجد سلیمان	۲
چالوس و نوشهر	۱۲	نهاوند	۱
خرمدره	۹	نیریز	۱
رشت	۲۸	هشتپر	۷
رودبار	۳	جمع کل	۷۰۰
رودسر	۳	* تذکر: آمار فوق مربوط به روز پنجشنبه ۱۳ آذر می‌باشد. بجز آمار مربوط به آمل که مربوط به روز شنبه ۱۵ آذر است. با یادآوری این نکته که ارقام فوق تا آنجائی است که ما اطلاع یافته‌ایم	

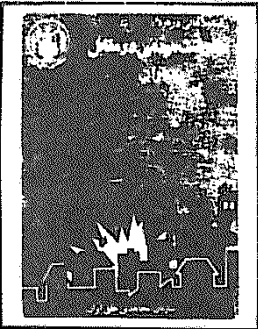
زناهم می‌نمود و طبیعتاً اعتراض‌هایی را بدنبال داشت. تظاهرات آنها در گرمانشاه، شیراز و... عکس‌العمل طبیعی چنین فشارهایی بود که مطابق معمول مورد سرکوب انحصارطلبان (با استفاده از نام مردم!) قرار می‌گرفت. اما مسئله خیلی جدی‌تر و گسترده‌تر از آن بود که با اینگونه تبلیغات ناشیانه حضرات، به اصطلاح "ماست‌مالی" شود. و به همین جهت بود که علیرغم همه‌ی تلاشهای مذبحوحانه، آنها مجبور شدند که تا حدی واقعیت امر را بپذیرند و در این رابطه لحن گفتارشان را تغییر دهند. از جمله اینکه بعد از گذشت روزهایتمادی از شروع جنگ و بی‌خانمانی صدها هزار هموطن جنگ‌زده‌ی ما و بعد از آنهمه تهمت و افترا و زخم‌زبان به این مردم ستمدیده تازه به فکر دلجوئی از آنها برآیند.

اما اکنون که بیش از دو ماه از این مسئله می‌گذرد، هنوز هم علیرغم ادعاها و یا اقدامات انجام شده، یک برخورد اصولی یا مسئله نشده و این مسئله همچنان یک مشکل مهم اجتماعی است. چنانکه طبق گزارش خبرنگار کیهان در بروجرد در این اواخر آنها "غلب بر روی دو متر موکت و گاه حتی بر روی ورقه‌های گارتن نشسته‌اند و گاه حتی چراغ کوچکی نیز برای گرم کردن خود ندارند".

* جمهوری اسلامی (۷/۱۲) اعیان نشین آبادان... امروز آقای خامنه‌ای در نماز جمعه: که روز خطر است سنگر راترک بن به‌همی آن اقلیتی که شهرهای نوار مرزی را ترک کرده‌اند و به خیال‌پنود به جاهای امن گریخته‌اند، پیام می‌فرستم، این روزها در گوشه و کنار شهر ای آقایانی که خانه‌ی خود را ترک کرده‌اید، ای آقایان محلات

معرفی کتاب:

تحت این عنوان و تا چند شماره به معرفی کتاب‌ها و نوارهای جدیدی که به علت وقفه در انتشار "مجاهد" موفق به معرفی آنها نشدیم اقدام خواهیم کرد.



۱- "رهنمودهایی درباره‌ی مقاومت مردمی در مقابل بمباران" چاپ اول این کتاب در مهرماه ۵۹ و به دنبالش تهاجم نظامی عراق منتشر شد. این کتاب آموزش‌هایی است درباره‌ی "انواع مختلف بمباران‌های هوایی و نحوه‌ی مقابله با آنها، انواع بمب‌ها، دفاع توده‌ای و نقش میلیشیا و...

۲- رهنمودهایی درباره‌ی "مقاومت مردمی و شیوه‌های جنگ خیابانی" کتاب فوق از آخرین انتشارات سازمان بوده و شامل چهار فصل است. در فصل اول شیوه و طرح تهاجم ارتش‌های کلاسیک بررسی شده‌است. فصل بقیه در صفحه‌ی ۲



مقاومت مردمی و شیوه‌های مبارزه
مجاهد
سال دوم
آذرین: تهران ۱۶
صفحه‌ی ۱۶ شماره ۱۶/۵۵۱